

بررسی اثر متقابل دموکراسی و امنیت حقوق مالکیت بر فساد مالی در کشورهای منتخب^۱

اقدس باغچقی^۲
عبداله خوشنودی^۳
جواد هراتی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۴

چکیده

فساد، یکی از پدیده‌های جهانی است که از گذشته وجود داشته است و در حال حاضر نیز در تمام کشورهای دنیا اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد. عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بر فساد اثرگذار هستند. در این میان، امنیت حقوق مالکیت و دموکراسی، از عوامل مهم اثرگذار بر فساد مالی هستند. در این مقاله، با استفاده از روش داده‌های تابلویی، اثر متقابل دموکراسی و امنیت حقوق مالکیت روی فساد مالی در ۵۹ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه - از جمله ایران - در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از برآورد مدل با شاخص‌های مختلف دموکراسی (*Political Polity2*) و *FH Rights*، نشان می‌دهد که با وجود اینکه حفاظت از حقوق مالکیت، در هر محیط سیاسی باعث کاهش فساد مالی می‌شود، وجود دموکراسی در جامعه، به تنهایی نمی‌تواند فساد مالی را کاهش دهد و برای اینکه این متغیر بتواند اثر منفی روی فساد مالی داشته باشد، باید با سطوح بالای امنیت حقوق مالکیت همراه شود. به علاوه، با وجود اینکه حفاظت از حقوق مالکیت، در هر محیط سیاسی، فساد را کاهش می‌دهد، در سطوح بالای دموکراسی، اثر آن بیشتر می‌شود.

واژگان کلیدی: دموکراسی، امنیت حقوق مالکیت، فساد مالی
طبقه‌بندی JEL : P14, D73, D72

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقدس باغچقی می‌باشد، که با راهنمایی دکتر عبدالله خوشنودی و مشاوره دکتر جواد هراتی انجام شده است.
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی دانشگاه بجنورد
۳. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بجنورد، نویسنده مسئول
۴. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بجنورد

baghcheghi.aghdas@gmail.com
akhoshnoodi@ub.ac.ir
j.herati@ub.ac.ir

۱. مقدمه

فساد، موجب کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، افزایش هزینه‌های انجام کسب‌وکار، جلوگیری از خلق ایده‌ها و نوآوری‌های جدید، ترویج نابرابری در میان شرکت‌ها و کاهش کیفیت محصولات می‌شود و فرصت‌هایی را برای هدایت منابع سرمایه‌گذاری و دیگر فعالیت‌های تولیدی به سمت فعالیت‌های غیرمولد ایجاد می‌کند. علاوه بر این، فساد از طریق عدم وجود حکومت قانون و احترام به حقوق انسان، عدم پاسخگویی و شفافیت، زمینه را برای حاکمیت بد و ضعیف فراهم می‌کند. لذا منجر به ضعف ساختاری و ناکارآمدی نهادهای مؤثر برای حاکمیت بهتر می‌شود. از این رو، شناخت نقش فساد در هر جنبه‌ای از زندگی و در هر حوزه‌ای از فعالیت‌های سازمانی در تمام ملت‌ها، ضرورت دارد (Tiwari, 2012).

عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی بر فساد تأثیر گذارند. در این میان، امنیت حقوق مالکیت که یکی از اجزای آزادی اقتصادی است و آزادی سیاسی (دموکراسی) به‌عنوان عوامل مهم اقتصادی و سیاسی اثرگذار بر فساد مالی شناخته می‌شوند.

حقوق مالکیت، یکی از اجزای آزادی اقتصادی است که اثر مثبتی بر آن دارد؛ به این معنی که افراد حق تصرف آزادانه در دارایی‌های خود را دارند که این امر در قالب قوانین رایج کشور که شرایطی امن برای دارایی‌های آنان فراهم می‌کند، صورت می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، حفاظت حقوق مالکیت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد بازار است. به نظر می‌رسد که هر چه حمایت از حقوق مالکیت که یکی از اجزای آزادی اقتصادی است، بیشتر باشد، میزان فساد کاهش می‌یابد (جعفری صمیمی و صالحی، ۱۳۹۲). امنیت حقوق مالکیت موجب کاهش هزینه‌های مبادله، پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری، افزایش میزان وام‌دهی و تخصیص بهینه منابع می‌شود که در این صورت، میزان رقابت‌پذیری در بازار افزایش می‌یابد و در نتیجه، موجب افزایش آزادی اقتصادی خواهد شد و از این طریق، می‌تواند فساد را کاهش دهد (صامتی و همکاران، ۱۳۸۹).

در رابطه با تأثیر دموکراسی بر فساد مالی نیز می‌توان گفت در یک کشور دموکراتیک، مشارکت گسترده مردم، به عملکرد مفید و مؤثر سازمان‌ها و نهادها منجر خواهد شد. در نتیجه، مشارکت مردم می‌تواند تهدیدی عملی در مقابل رفتارهای فسادآمیز باشد که اثر منفی بر فساد خواهد داشت. بنابراین، به نظر می‌رسد که آزادی‌های دموکراتیک، به کاهش سطح فساد منجر خواهد شد. بر این اساس، دموکراسی در عملکرد خوب و نهادی سازگار با قانون، به کاهش فساد منجر می‌شود. بنا بر نظریه دموکراسی، بین دموکراسی و فساد، رابطه منفی وجود دارد؛ زیرا فساد، منافع اقلیت و دموکراسی، منافع اکثریت را در نظر می‌گیرد (Bohara et al., 2004). بنابراین دموکراسی، یکی از عوامل سیاسی مهم تأثیرگذار بر فساد است. در یک حکومت دموکراتیک، برای افشا و مجازات کسانی

که اقدامات غیرقانونی انجام می‌دهند، وجود آزادی‌های مدنی، یک دولت کارآمد و شفاف دولتی، پاسخگویی و انتخابات عادلانه، از ابزارهای مورد استفاده‌اند. بنابراین، سیاستمدارانی که نمی‌خواهند موقعیت و اعتبار خود را از دست دهند، باید بدون استفاده از قدرت خود برای دستیابی به منافع شخصی، مؤثر باشند. از این دیدگاه می‌توان بیان کرد که دموکراسی، فساد را کاهش می‌دهد (Turedi and Altiner, 2016).

اگرچه یافته‌های محققانی نظیر شین و ویلیامسون (Shen and Williamson, 2005)، گل و نلسون (Goel and Nelson, 2005)، امرسون (Emerson, 2006)، نورتگین و سیزاپ (Nurtegin and Czap, 2012) و گراف و مهلکوپ (Graef and Mehlkop, 2003)، نشان می‌دهد که دموکراسی و امنیت حقوق مالکیت، به تنهایی فساد را کاهش می‌دهند، اما شواهد نشان می‌دهد در کشورهایی که حقوق مالکیت به‌درستی حفاظت نمی‌شود، دموکراسی موجب افزایش فساد شده است. در این مورد، می‌توان به کشورهایی مانند پاراگوئه، آرژانتین و هند اشاره کرد که درعین برخورداری از دموکراسی بالا، فساد مالی بالایی را تجربه می‌کنند. درمقابل، کشورهایی مانند اردن و برخی از کشورهای عربی مانند بحرین و قطر، با دموکراسی پایین وجود دارند که به‌دلیل برخورداری از امنیت حقوق مالکیت، از سطح فساد پایینی برخوردارند.

در این خصوص، از نظر عجم اوغلو و وردیر (Acemoglu and Verdier, 1998) در صورتی که حفاظت از حقوق مالکیت در کشوری به‌خوبی تأمین نشود، آن کشور فساد بیشتری را تجربه می‌کند. بنابراین، مسأله اصلی این پژوهش، آن است که آیا دموکراسی در هر محیطی با سطوح متفاوت امنیت حقوق مالکیت، موجب کاهش فساد مالی می‌شود؟ و آیا امنیت حقوق مالکیت، فساد را در هر محیط سیاسی کاهش می‌دهد؟ بررسی این موضوع از آن جهت مهم است که به نقش مهم تضمین حقوق مالکیت و دموکراسی و همچنین نهادهای تأمین‌کننده آنها در اثرگذاری بر فساد مالی، پی برده شود. قسمت‌های مختلف این مقاله، به صورت زیر است: ابتدا برخی از مطالعات انجام شده در حوزه فساد مالی و عوامل به وجودآورنده آن مرور خواهد شد. در ادامه، مبانی نظری اثرگذاری متغیرهای حقوق مالکیت، دموکراسی و اثر متقابل آنها بر فساد مالی بیان می‌شود. تجزیه و تحلیل نتایج تجربی الگوی برآوردی، در بخش چهارم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. مروری بر مطالعات پیشین

مطالعات بسیاری در رابطه با فساد مالی انجام شده است که می‌توان آنها را در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دسته اول، به تأثیرگذاری فساد بر جنبه‌های مختلف اقتصاد می‌پردازند که نتیجه کلی آنها بیانگر تأثیر منفی فساد بر رشد اقتصادی است که رفاه جوامع را کاهش می‌دهد. دسته دوم از مطالعات، به بررسی عوامل تعیین‌کننده فساد می‌پردازند که مطالعه حاضر نیز در دسته دوم قرار می‌گیرد. در این قسمت، به برخی از مطالعات داخلی و خارجی در زمینه موضوع تحقیق اشاره می‌شود.

۲-۱. مطالعات خارجی

در خصوص بررسی رابطه بین دموکراسی و فساد، برخی محققان ارتباط معناداری را بین دموکراسی و فساد نیافته‌اند. به‌طور مثال، آدیس و دی تلا (Ades and Di Tella, 1997) نشان می‌دهند که بین حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی و فساد، ارتباط قابل‌توجهی وجود ندارد. نتایج مطالعه تریسمن (Treisman, 2000) نیز بیانگر این است که اثر دموکراسی بر روی فساد، بی‌معنی است. فیسمن و گاتی (Fisman and Gatti, 2002) با در نظر گرفتن متغیرهای آزادی مدنی (برای شاخص دموکراسی) و قابلیت اجرایی قراردادها (برای شاخص حقوق مالکیت)، به بررسی ارتباط بین تمرکززدایی و فساد پرداختند و نتیجه گرفتند که بین آزادی مدنی و فساد، رابطه معنی‌داری وجود ندارد و بین قابلیت اجرایی قراردادها و فساد، رابطه منفی وجود دارد.

نتایج برخی مطالعات نیز بیانگر تأثیر منفی دموکراسی بر فساد است. در این مطالعات، آزادی اقتصادی هم به‌عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است. به‌طور مثال، سندهالتز و کویتزول (Sandholtz and Koetzle, 2000) در مطالعه خود، رابطه بین فساد، دموکراسی و اقتصاد بازار را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که دموکراسی و آزادی اقتصادی، فساد اداری را کاهش می‌دهند. بوهارا و همکاران (Bohara et al., 2004)، به بررسی تأثیر دموکراسی بر فساد پرداختند و نتیجه گرفتند که مشارکت شهروندی در رقابت‌های انتخابی، میزان فساد را کاهش می‌دهد. سانگ (Sung, 2004) با استفاده از مدل‌های خطی و غیرخطی و داده‌های تابلویی، به بررسی تأثیر دموکراسی بر فساد سیاسی پرداخت. نتایج مطالعه وی، نشان می‌دهد که در هر دو مدل، حقوق سیاسی موجب کاهش فساد می‌شود.

شین و ویلیامسون (Shen and Williamson, 2005)، به بررسی اثر دموکراسی و آزادی اقتصادی بر فساد برای ۹۱ کشور پرداختند و نتیجه گرفتند که دموکراسی و آزادی اقتصادی، تأثیر مثبتی بر کنترل فساد دارند بدین مفهوم که موجب کاهش فساد می‌شوند؛ اما وجود یک سیستم سیاسی دموکراتیک همواره پایین بودن سطح فساد را تضمین نمی‌کند؛ لیکن، کشورهای دموکراتیکی

وجود دارند که فساد بالایی دارند؛ بنابراین، نهادینه ساختن یک ساختار دموکراتیک، ممکن است ده‌ها سال به طول بیانجامد و آزادی اقتصادی نقش بالقوه‌ای در توسعه نهادهای دموکراتیک دارد. گل و نلسون (Goel and Nelson, 2005)، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی و دموکراسی بر فساد پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که این دو متغیر، تأثیر منفی بر فساد می‌گذارند و آزادی اقتصادی در کاهش فساد، نقش مؤثرتری دارد. همچنین، اجزای مختلف آزادی اقتصادی، تأثیر متفاوتی بر فساد دارند؛ به این معنی که برخی از آنها موجب کاهش فساد و برخی، موجب افزایش فساد می‌شوند. امرسون (Emerson, 2006)، به بررسی تأثیر رقابت سیاسی و اقتصادی بر فساد پرداخته است. از نظر وی، رقابت بین مقامات دولتی، همان دموکراسی یا آزادی سیاسی است و رقابت اقتصادی، آزادی اقتصادی است. نتایج این مطالعه، نشان می‌دهد که رابطه‌ای معکوس بین رقابت و فساد وجود دارد؛ به مفهوم اینکه رقابت، مانع فعالیت‌های فاسد است. وی در این مطالعه، نشان داد که هرچه سطوح پایین‌تری از شاخص حقوق سیاسی که شامل انتخابات دموکراتیک، قوه قانون‌گذاری احزاب مخالف است، وجود داشته باشد، میزان فساد افزایش خواهد یافت. نورتگین و سیزاپ (Nurtegin and Czap, 2012)، به بررسی تأثیر دموکراسی، استبداد و ثبات سیاسی بر فساد مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که علامت منفی ضریب هر دو متغیر، نشان می‌دهد که سطح فساد در این کشورها بالا است. همچنین فساد در کشورهایی که دموکراتیک هستند، هرچند از نظر سیاسی بی‌ثبات هم باشند، کمتر از کشورهای استبدادی است. کولستاد و ویگ (Kolstad and Wiig, 2016) نیز به بررسی ارتباط بین دموکراسی و فساد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که دموکراسی، نقش بسیار مهمی در کاهش فساد دارد و هیچگونه رابطه غیرخطی بین دموکراسی و فساد وجود ندارد. آنها پیشنهاد می‌کنند که توسعه نهادهای دموکراتیک، می‌باید به‌عنوان یکی از استراتژی‌های کاهش فساد در نظر گرفته شود. در عین حال، نتایج برخی مطالعات بیانگر اثر مثبت دموکراسی بر فساد مالی است. به‌عنوان نمونه، بیلگر و گل (Billgler and Goel, 2009) با استفاده از دو روش حداقل مربعات معمولی و رگرسیون چندک به بررسی عوامل مؤثر بر فساد پرداختند؛ به‌طوری‌که نتایج حاصل از برآورد مدل با روش حداقل مربعات معمولی، بیانگر آن بوده که دموکراسی موجب کاهش فساد می‌شود؛ درحالی‌که نتایج تخمین به روش رگرسیون چندک، رابطه مثبت بین دموکراسی و فساد را نشان می‌دهد. همچنین، نتایج برآورد مدل با هردو روش، نشان‌دهنده ارتباط منفی آزادی اقتصادی و فساد هستند. ساها و همکاران (Saha *et al.*, 2009)، به بررسی رابطه بین دموکراسی، آزادی اقتصادی و فساد با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۱۰۰ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان

می‌دهد که در کشورهایی با درجه آزادی اقتصادی پایین، نه تنها دموکراسی بر فساد اثر منفی نداشته، بلکه باعث افزایش فساد نیز شده است.

کالنبرن و لسمن (Kalenborn and Lessman, 2013) نیز به بررسی تأثیر دموکراسی و آزادی مطبوعات بر فساد برای تعدادی از کشورها طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دموکراسی و آزادی مطبوعات بر فساد، اثری مثبت داشته است، اما درجه خاصی از آزادی مطبوعات و اصلاحات دموکراتیک اگر همراه با اصلاحات نهادی و نظارت سیاستمداران باشد، بر کاهش فساد مؤثر خواهد بود.

باتوجه به اینکه امنیت حقوق مالکیت، یکی از اجزای آزادی اقتصادی است، برخی از محققان مانند عجم اوغلو و وردیر (Acemoglu and Verdier, 1998)، با استفاده از یک مدل پویای تعادل عمومی، به بررسی رابطه حقوق مالکیت و فساد پرداختند و نتیجه گرفتند که کشورهای در حال توسعه که ساختار حقوق مالکیت در آنها به خوبی تعریف نشده و ضعیف است، فساد بیشتری دارند و سازوکار ضعیف حقوق مالکیت، بر تصمیمات سیاسی یک کشور، تأثیری منفی خواهد گذاشت. همچنین، گراف و مهلکوپ (Graef and Mehlkop, 2003)، به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد پرداختند و نتیجه گرفتند که یک رابطه قوی بین آزادی اقتصادی و فساد وجود دارد که این رابطه، به توسعه یافتگی کشور بستگی دارد و در کشورهای ثروتمند، بهبود ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت که جزئی از آزادی اقتصادی است، به کاهش فساد منجر می‌شود.

۳-۲. مطالعات داخلی

در بین مطالعات داخلی، سامتی و همکاران (۱۳۸۵)، به تشریح عوامل مؤثر بر فساد مالی پرداخته، و مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر فساد مالی را بررسی کرده، و با استفاده از سه مدل، به بررسی اثر آزادی اقتصادی و اجزای آن بر فساد مالی پرداخته‌اند. این مدل‌ها، با رویکرد داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور طی چهار سال (۲۰۰۳-۲۰۰۰) برآورد شده، و نتایج، بیانگر اثر مثبت و معنادار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی مبادله با خارجی) بر کاهش فساد است.

جعفری صمیمی و صالحی (۱۳۹۲)، با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی و رویکرد داده‌های تابلویی برای سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۳، به بررسی ارتباط آزادی اقتصادی و فساد پرداختند و نتیجه گرفتند که شاخص کل آزادی اقتصادی، اثر منفی و معناداری بر فساد مالی در این کشورها دارد. حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی مبتنی بر روش گشتاورهای تعمیم‌یافته طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۱، به بررسی تأثیر اندازه دولت (یکی از اجزای آزادی اقتصادی) و

دموکراسی، بر فساد در کشورهای عضو اوپک پرداختند و نتیجه گرفتند که اندازه دولت، فساد را افزایش و دموکراسی، فساد را کاهش می‌دهد و اثر متقابل اندازه دولت و دموکراسی، تأثیر معناداری بر سطح فساد دارد. افزایش توأم اندازه دولت و دموکراسی می‌تواند سطح فساد را کاهش دهد. بزرگ شدن اندازه دولت، در صورتی به کاهش سطح فساد منجر می‌شود که توأم با افزایش سطح دموکراسی باشد. همچنین متغیر آزادی اقتصادی، تأثیر معناداری بر سطح فساد دارد. لذا آزادی‌های اقتصادی، به کاهش فساد منجر می‌شود.

نتایج حاصل از پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴)، نشان داد که اثر حاکمیت قانون که بیانگر تعهد به قراردادهای و حقوق مالکیت است، در هر دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، اثر معنی‌داری بر کنترل فساد نداشته است. و دموکراسی نیز در هر دو گروه، اثر مثبت و معنی‌داری بر کنترل فساد داشته، به این معنی که فساد را کاهش داده است.

در مجموع می‌توان گفت که نتایج برخی از مطالعات در مورد تأثیر دموکراسی بر فساد، نشان‌دهنده آن است که دموکراسی نقش مهمی در کاهش فساد دارد؛ برخی مطالعات به رابطه مشخصی در این زمینه دست نیافته‌اند و برخی دیگر نیز، به این نتیجه رسیده‌اند که دموکراسی باعث افزایش فساد می‌شود. در این میان، باید به این نکته توجه شود که در حضور برخی از متغیرها نظیر آزادی اقتصادی، اثر دموکراسی روی فساد مالی می‌تواند تغییر کند. با توجه به مطالعه ساها و همکاران (Saha *et al.*, 2009)، در سطوح بالای آزادی اقتصادی، دموکراسی می‌تواند باعث کاهش فساد شود، اما در سطوح پایین آن، اثر مثبتی روی فساد مالی دارد. با توجه به اینکه امنیت حقوق مالکیت از یک طرف، یکی از اجزای اصلی آزادی اقتصادی است و از طرف دیگر، طبق مطالعه عجم اوغلو و وردیر (Acemoglu and Verdier, 1998)، باعث کاهش فساد می‌شود، به نظر می‌رسد که در حضور این متغیر، دموکراسی می‌تواند به طرز مؤثرتری فساد را کاهش دهد.

بر این اساس در این مطالعه، به بررسی اثر متقابل دموکراسی و امنیت حقوق مالکیت روی فساد مالی در تعدادی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه - از جمله ایران - پرداخته می‌شود. به علاوه در این مقاله، اثرات جزئی امنیت حقوق مالکیت روی فساد مالی، در سطوح مختلف دموکراسی و اثرات جزئی دموکراسی بر فساد مالی، در سطوح مختلف حقوق مالکیت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. مبانی نظری و ساختار الگو

۳-۱. تأثیر امنیت حقوق مالکیت بر فساد مالی

به‌طور کلی امنیت حقوق مالکیت، از کانال‌های متفاوتی می‌تواند بر فساد مالی اثر بگذارد. این کانال‌ها شامل کاهش هزینه‌های مبادله، پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری، افزایش میزان وام‌دهی و تخصیص بهینه

منابع هستند. در این صورت، میزان رقابت پذیری در بازار افزایش می یابد و در نتیجه، موجب افزایش آزادی اقتصادی خواهد شد و فساد را کاهش می دهد.

برخی از اقتصاددانان معتقدند عملکرد رقابتی بازار موجب کاهش فساد مالی می شود (Saha et al., 2009). یکی از زمینه های لازم برای دستیابی به چنین شرایطی، کاهش هزینه های مبادلاتی و قراردادی است که تحقق آن، به نوبه خود، در گرو تعریف روشن و دقیقی از حقوق مالکیت افراد و بنگاه ها است. در یک اقتصاد رقابتی متکی بر بازار، اطلاعات به راحتی در اختیار مصرف کنندگان و بازارها قرار می گیرد (شفافیت اطلاعات). بنابراین، ایجاد یک سازوکار حقوقی مناسب که از دارایی افراد حمایت لازم را به عمل آورد، موجب رقابتی شدن بازارها خواهد شد که از انحصارهای زیان آور بخش خصوصی و دولتی جلوگیری می کند. انحصارهای زیان آور، بدین معنی است که بخش خصوصی و یا دولتی، منابع را به صورت غیرقانونی در اختیار خود درآورد (صالحی، ۱۳۹۶).

همچنین حقوق مالکیت شامل تمام قراردادهای بازار نیز می شود که در این خصوص، آدام اسمیت پدر علم اقتصاد در مورد حقوق مالکیت می گوید: در صورت وجود یک سیستم قضایی که دولت، کمترین مداخله را در آن داشته باشد، حقوق افراد نسبت به دارایی شان، تأمین شده و اطمینان خاطر کسب می کنند. در صورتی که قوانین معین و استواری برای اجرای قراردادها (که در هر مبادله با دیگران باید منعقد شود) وجود نداشته باشد تا در راستای آن، حقوق افراد تضمین شود، به دلیل ایجاد نااطمینانی، وام دهندگان تمایلی به دادن وام به دیگران نخواهند داشت و اوضاع وام گیرندگان نیز وخیم تر خواهد شد. در نتیجه، شاهد روند صعودی نرخ های بهره در جامعه خواهیم بود که همه این موارد، موجب کاهش فعالیت های مولد و سرمایه گذاری در جامعه خواهد شد. بنابراین افراد و بنگاه ها، برای افزایش سود فعالیت های خود، به سمت فعالیت های غیر مولد سوق می یابند (دادگر و بزنگانی، ۱۳۹۰).

علاوه بر این، توانایی سیستم حقوقی برای حفظ قراردادهای حق مالکیت، به طور ویژه، به عنوان یک سیاست مهم برای کاهش فساد در اقتصادهای جهان شناخته شده است. با انجام یک قرارداد، خریدار و فروشنده قادر خواهند بود حق مالکیت خود روی کالا، خدمات یا دارایی را مبادله کنند. بنابراین، هر یک از طرفین بدون اجبار و با توجه به منافع شخصی خود با طرف مقابل مبادله می کند که شکست سیستم قانونی در اجرای این قراردادها، عملکرد بازار آزاد را تضعیف می کند و موجب شکست بازار و نبود رقابت اقتصادی خواهد شد. این امر به نوبه خود، انگیزه افراد را برای شرکت در فعالیت های تولیدی کاهش می دهد، به این معنی که فساد افزایش می یابد. از این رو، می توان گفت امنیت حقوق مالکیت و ساختار حقوقی، مهم ترین نقش را در کاهش فساد دارند (Pieroni and Agostino, 2013).

حقوق مالکیت، ساختار انگیزشی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که تأمین حقوق مالکیت خصوصی در جامعه، سبب خواهد شد تا نااطمینانی و ریسک در جامعه پایین باشد، بنابراین، می‌توان به برقراری بالاتر امنیت در حقوق مالکیت اعتماد داشت؛ به عبارت دیگر، در اقتصادی که نااطمینانی و ریسک در آن بالا است، رشوه‌خواری و فساد در نظام اقتصادی می‌تواند به وجود آید. در دنیای پرریسک و نااطمینان، سرمایه‌گذاران و صاحبان قدرت برای دور زدن قانون، اقدام به ارتشا و زیر پا گذاشتن قانون، خواهند کرد (کیان‌پور، ۱۳۹۴). در این صورت میزان وام‌دهی، پس‌انداز، امکان ورود انواع دارایی‌ها را به بازارهای مالی و سرمایه‌ای کاهش می‌دهد و از این طریق، بر کاهش رقابت اقتصادی مؤثر است و موجب کاهش آزادی اقتصادی می‌شود. بنابراین، افراد و بنگاه‌ها انگیزه کمتری برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد خواهند داشت (صامتی و همکاران، ۱۳۸۹).

به‌طور خلاصه، عدم تأمین و حفاظت از حقوق مالکیت افراد، موجب کاهش انگیزه افراد برای انجام فعالیتهای مولد و تولیدی می‌شود که در این صورت، موجب افزایش فساد در جامعه خواهد شد. تضعیف حقوق مالکیت و تولید نامطمئن باعث می‌شود تا افراد عاقل، کمتر در فعالیتهای اقتصادی شرکت کنند و بیشتر دارایی و سرمایه خود را صرف فعالیتهای غیرتولیدی و غیرمولد کنند و از این طریق، موجب افزایش فساد شوند (Graef and Mehlkop, 2003).

همچنین امنیت حقوق مالکیت می‌تواند موجب افزایش آزادی اقتصادی شود. از آنجایی که آزادی اقتصادی به سطح فعالیت دولت در یک اقتصاد مرتبط است، فساد عموماً با فعالیتهای دولت و بخصوص قدرت انحصاری و اختیاری دولت ارتباط دارد. هنگامی که مالیات، مقررات و محدودیتهای دولتی برای مبادله داوطلبانه و هماهنگی بازار اعمال می‌شود، آزادی اقتصادی کاهش می‌یابد. مداخله دولت از طریق تعیین محدودیتهایی برای حقوق مالکیت افراد، نظیر وضع قوانین، مقررات، هزینه بالای اعطای مجوزها، مالیات‌های سنگین، هزینه ثبت دارایی‌ها و مصادره اموال و غیره، موجب افزایش فساد می‌شود (Yılmaz & Arvas, 2011).

دخالت دولت در بازار، میزان رقابت‌پذیری و در نتیجه، آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهد که در این صورت، افراد و بنگاه‌ها بیشتر تمایل به پرداخت رشوه پیدا می‌کنند (Saha et al., 2009)؛ از این رو، محدودیتهایی که توسط دولت برای حقوق افراد تعیین می‌شود، موجب می‌شود تا افراد نتوانند به‌آسانی از حقوق مالکیت خود برخوردار باشند. لذا مداخلات دولت، ممکن است امنیت حقوق مالکیت افراد را گاهی اوقات تهدید کند؛ بنابراین لازم است، این حقوق، به صورتی شفاف تعریف شوند تا افراد و بنگاه‌ها، حق تصرف و استفاده آزاد از منابع تحت تملک خود را داشته باشند.

به‌طور خلاصه، تأمین حقوق مالکیت از کانال افزایش رقابت اقتصادی و در نتیجه آزادی اقتصادی در بازار، می‌تواند بر کاهش فساد تأثیر بسزایی داشته باشد. بنابراین، می‌توان گفت با تعریف و تضمین

حقوق مالکیت، رقابت اقتصادی در بازار بیشتر، و در نتیجه، دستیابی به آزادی اقتصادی آسان تر خواهد شد و فساد کاهش می‌یابد.

۲-۳. تأثیر دموکراسی بر فساد مالی

در خصوص نحوه اثرگذاری دموکراسی بر سطح فساد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از مطالعات، رابطه معکوس بین دموکراسی و سطح فساد را تأیید می‌کنند؛ بخش دیگری از مطالعات تجربی، هرگونه رابطه معنی‌دار بین آنها را رد می‌کنند و بخش دیگری از مطالعات نیز رابطه مثبت بین دموکراسی و فساد را تأیید می‌کنند که در ادامه، به بررسی این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳. دیدگاه موافق

دموکراسی به معنای آزادی مطبوعات، آزادی بیان، حقوق شهروندی، برابری و عدالت اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی است (Ghodrati *et al.*, 2018). اعتقاد کلی، آن است که دموکراسی فساد را کاهش می‌دهد. کشورهای دموکراتیک، از سطوح بالایی از آزادی بیان و مطبوعات برخوردارند. بنابراین در این کشورها، در صورتی که فساد مالی اتفاق بیفتد، مردم از وقوع آن مطلع خواهند شد. در عین حال، حکومت در مقابل مردم مسئول است و باید پاسخگو باشد. همچنین از آنجاکه قدرتمندان سیاسی از طریق انتخاب آزادانه توسط مردم تعیین می‌شوند، نهادهای دموکراتیک، از نقش مؤثری در مقابله با فساد برخوردار خواهند بود (Sandholtz & Koetzle, 2000). از این رو، دموکراسی به‌عنوان یک عامل سیاسی که بر فساد تأثیر دارد، در نظر گرفته می‌شود.

حقوق سیاسی شامل انتخابات دموکراتیک، قوه قانون‌گذاری، احزاب مخالف و آزادی مدنی شامل رسانه‌های گروهی آزاد و مستقل و آزادی بیان است که با فساد همبستگی منفی دارد. فساد در بیشتر نظام‌های سیاسی وجود دارد و کمتر نظامی را می‌توان یافت که فساد در آن وجود نداشته باشد. بنابراین، یک رابطه معکوس بین میزان فساد، مردم‌سالاری و سطح توسعه‌یافتگی کشورها وجود دارد. به این معنی که هرچه سطح توسعه‌یافتگی بالاتر و میزان دخالت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه و در نتیجه، تعیین نوع حاکمیت آن (حکومت دموکراتیک یا دیکتاتوری) بیشتر باشد، سطوح فساد متفاوت خواهد بود و هرچه میزان دموکراسی افزایش یابد. فساد کمتر بروز می‌کند (Treisman, 2000).

همچنین از نظر امرسون (Emerson, 2006)، سطوح حقوق سیاسی بالاتر (آزادی افراد در انتخابات)، فساد را کاهش می‌دهد. از نظر گل و نلسون (Goel & Nelson, 2005)، کشورهای غیر دموکراتیک،

سطح بالایی از فساد را دارند. چاودهاری (Chowdhury, 2004) نیز بیان می‌کند که دموکراسی می‌تواند به‌طور معناداری فساد را کاهش دهد.

دموکراسی از طریق کانال رقابت سیاسی نیز می‌تواند بر فساد تأثیرگذار باشد. رقابت سیاسی نیز موجب کاهش فساد می‌شود و از دو طریق، فساد را کاهش می‌دهد. اولاً، آزادی اطلاعات و ارتباطات که از مشخصه‌های دموکراسی هستند و موجب نظارت بر مقامات دولتی می‌شوند و بروز رفتارهای فاسد را محدود می‌کنند. ثانیاً، جریان احتمالی قدرت در دموکراسی‌ها نشان می‌دهد که سیاستمداران نمی‌توانند همیشه اعتقاد داشته باشند که قوانین و مقررات خاص در آینده ادامه خواهد یافت که این به‌نوبه خود، موجب حداقل رساندن پرداخت رشوه‌ها می‌شود. بنابراین، نظریه پردازان انتخاب عمومی استدلال می‌کنند که دموکراسی‌ها و بازارهای رقابتی، از شرایط لازم برای یک حکومت شایسته است و همچنین مداخله دولت در اقتصاد و رقابت سیاسی ضعیف، بروز فساد را تسهیل می‌کند (Montinola and Jackman, 2002).

۲-۳. دیدگاه مخالف

طرفداران این دیدگاه معتقدند که توسعه دموکراسی موجب افزایش فساد مالی خواهد شد؛ چراکه یکی از ویژگی‌های یک نهاد دموکراتیک، آزادی انتخابات است و از طرفی، یک سیستم رأی‌دهی ممکن است انگیزه‌ای برای تأمین مالی غیرقانونی حزب، کسب آرا مردم از طریق رشوه دادن را ایجاد کند (Kolstad & Wiig, 2011)؛ همچنین در فرآیند دموکراسی، ممکن است رقابت‌های حزبی و آزادی انتخاباتی، این انگیزه را در سیاستمداران ایجاد کند که از طریق خرید آرای مردم و تأمین مالی حزب خود به شیوه‌ای غیرقانونی و به‌صورت ناعادلانه، بر رقبای خود فائق آیند (Sung, 2004).

از نظر رزاکرمن (Akerman, 1999)، در نظام‌های دموکراتیک، فساد مالی، بیشتر در رابطه با تأمین منابع مالی مبارزات انتخاباتی رخ می‌دهد. برای انتخابات، باید منابع مالی تأمین شود؛ از این‌رو، گروه‌های ذی‌نفع ثروتمند ممکن است این منابع مالی را تأمین کنند و سیاستمداران نیز به دلیل فشارهای مالی، مایل به دریافت این رشوه هستند. کمک‌های مالی غیرقانونی (رشوه) در مبارزات انتخاباتی، یکی از دلایل ایجاد فساد مالی در این نظام‌ها است؛ چراکه سیاستمداران از این کمک‌ها برای رشوه دادن به رأی‌دهندگان استفاده خواهند کرد. حتی اگر این کمک‌ها قانونی نیز باشند، باز هم می‌توان گفت این گروه‌ها در عوض حمایت مالی که از مقامات انتخابی می‌کنند، در فرآیند قانون-گذاری انتظار کمک از آنها را دارند. همچنین وی تأکید می‌کند که رقابت بین سیاستمداران و همچنین بین بوروکرات‌ها، موجب فساد در دولت می‌شود؛ چراکه در این صورت، جناح‌ها می‌توانند سیاستمداران مدنظر خود را جایگزین کنند (صبوری، ۱۳۸۵).

۳-۳. اثر متقابل دموکراسی و امنیت حقوق مالکیت بر فساد مالی

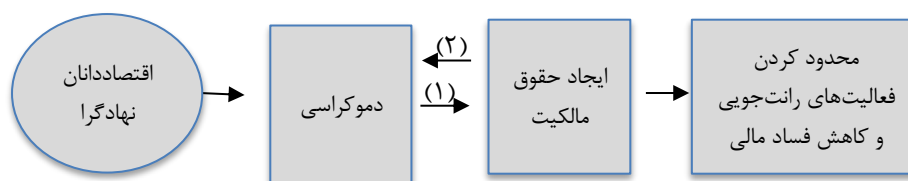
در خصوص رابطه متقابل دموکراسی و امنیت حقوق مالکیت و تأثیر آن بر فساد مالی، دیدگاه‌های مختلفی مانند دیدگاه نهادگرایان و دیدگاه اقتصاددانان بازار وجود دارد که در ادامه، به بررسی این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود. همچنین نظر برخی از اقتصاددانان نیز بر این است که اثر دموکراسی بر فساد، وابسته به حقوق مالکیت است و اجزای آزادی اقتصادی بر فساد مالی مؤثرند.

نهادینه ساختن یک ساختار دموکراتیک، ممکن است ده‌ها سال به طول بیانجامد و آزادی اقتصادی، نقش بالقوه‌ای در توسعه نهادهای دموکراتیک دارد (Shen & Williamson, 2005). این جمله، به روشنی بیان می‌کند که اجزای آزادی اقتصادی می‌توانند بر دموکراسی تأثیرگذار باشند و با توجه به اینکه حقوق مالکیت، یکی از اجزای آزادی اقتصادی است و با آن، رابطه مستقیم دارد، می‌توان گفت که با حفاظت از حقوق مالکیت و فراهم شدن آن، دموکراسی موجب کاهش فساد خواهد شد (Dong & Torgler, 2011).

در درجه آزادی اقتصادی پایین، نه تنها دموکراسی بر فساد اثر منفی ندارد، بلکه باعث افزایش فساد خواهد شد؛ بنابراین در سطوح اولیه آزادی اقتصادی، دموکراسی موجب افزایش فساد می‌شود اما پس از عبور از یک حد آستانه‌ای و وارد شدن به سطوح بالای آزادی اقتصادی، دموکراسی فساد را کاهش خواهد داد (Saha *et al.*, 2009).

یکی از دیدگاه‌هایی که در ارتباط با اثر متقابل امنیت حقوق مالکیت و دموکراسی می‌توان مطرح کرد، نظرات اقتصاددانان نهادگرا در مورد نهادهای سیاسی و اقتصادی است که دموکراسی را به‌عنوان نهادی سیاسی و حقوق مالکیت را به‌عنوان نهادی اقتصادی در نظر گرفته‌اند و معتقدند که این نهادها نقش مهمی در هدایت فعالیت‌های مولد در جامعه داشته و یا حتی مانع این فعالیت‌ها می‌شوند؛ بنابراین، چگونگی عملکرد این نهادها می‌تواند بر میزان فساد مالی در یک جامعه اثرگذار باشد. این اقتصاددانان معتقدند، نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی (حقوق مالکیت) را که در شکل‌گیری انگیزه‌های افراد و پیامدهای اقتصادی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ به وجود می‌آورند. از نظر آنان، نهادهای سیاسی، چگونگی انتخاب سیاستمداران و انتقال قدرت به آنها را تعیین می‌کند. از طرفی دیگر، نهادهای سیاسی، خود متغیرهای پویایی هستند که در گذر زمان می‌توانند تحت تأثیر نهادهای اقتصادی که وظیفه توزیع منابع را بر عهده دارند، قرار گرفته و تغییر کنند. در صورتی که نهادهای سیاسی، قدرت را به گروه‌هایی واگذار کنند که خود را ملزم به رعایت حقوق مالکیت می‌دانند، رانت‌جویی‌های صاحبان قدرت محدود شده و در نتیجه، فساد مالی کاهش خواهد یافت (Acemoglu *et al.*, 2005).

در همین راستا، کرواتلی (Cervellati, 2008)، رابطه دموکراسی و حقوق مالکیت را چنین بیان کرده است: اگرچه دموکراسی در برخی مواقع، تأثیر مثبتی بر افزایش حفاظت از حقوق مالکیت داشته است، وجود آن برای تأمین حقوق مالکیت الزامی نیست و دموکراسی و حقوق مالکیت به ترتیب، جزو نهادهای سیاسی و نهادهای اقتصادی هستند که اگر عملکرد خوبی داشته باشند، یکدیگر را تقویت خواهند کرد. بنابراین، همبستگی بالایی بین این دو متغیر وجود دارد؛ به این صورت که می‌توان گفت، این دو متغیر بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و ممکن است در غیاب یکی، اثر دیگری بر میزان فساد در جامعه تغییر کند. شواهد برخی از کشورهایی که از دموکراسی بالایی برخوردارند ولی حقوق مالکیت نامنی دارند و در همان زمان، فساد بالایی را نیز تجربه می‌کنند، بیانگر نقش مؤثر حفاظت از حقوق مالکیت در تأثیر دموکراسی بر فساد است. در این خصوص، کاگ و همکاران (Clague *et al.*, 1996)، بیان می‌کنند که یک نظام با دموکراسی پایدار، به نهادهای برقراری حقوق مالکیت وابسته است که ساختار انگیزشی جامعه را تشکیل می‌دهند و عمر یک نظام سیاسی به‌طور مستقیم مربوط به حقوق مالکیت در یک حکومت دموکراتیک است. شکل (۱)، نحوه اثرگذاری متقابل دموکراسی و حقوق مالکیت بر کاهش فساد مالی را براساس دیدگاه نهادگرایان نشان می‌دهد.



شکل ۱. نحوه اثر متقابل دموکراسی و حقوق مالکیت بر کاهش فساد مالی

لودویگ ون میززا^۱ از اقتصاددانان مکتب اتریشی است که یکی از اصول مهم اقتصاد اتریشی را فردگرایی سیاسی دانسته و آزادی اقتصادی را اساس و بنیان تشکیل آزادی سیاسی می‌داند. وی معتقد است، محدودیت‌هایی که توسط دولت بر آزادی اقتصادی اعمال می‌شود، به تضعیف آزادی سیاسی فرد منجر می‌شود (Machlup, 1981). فردریک آگوست ون هایک^۲ نیز یکی دیگر از برجسته‌ترین اقتصاددانان نهادگرای مکتب اتریشی است که مدافع دیدگاه اقتصادی و سیاسی میززا است. بر اساس اندیشه هایک، منظور از آزادی، عمدتاً آزادی سیاسی و فردی است که محدود شدن قدرت دولت توسط حکومت قانون، یکی از علل مهم تشکیل آن است. از نظر هایک، این آزادی عمل

1. Ludwig Von Mises
2. Fredrick August Von Hayek

در نظم بازار تحقق می‌یابد و این نظم را کاتالاکسی^۱ می‌نامند. از نظر وی، وجود رقابت در اقتصاد بازار، موجب ورود افراد با ریسک‌های متفاوت به بازار می‌شود، به طوری که افراد با تصمیم خود به سود یا زیان می‌رسند.

به طور کلی طبق نظریه نظم خودجوش^۲ هایک، دولت باید کمترین دخالت را در عرصه سیاسی و اقتصادی داشته باشد؛ چرا که مداخله دولت، موجب تغییر سود و زیان به سمت انحصارات دولتی می‌شود و این امر، موجب به هم ریختن نظم طبیعی و خودجوش اقتصاد بازار می‌شود (استوار، ۱۳۸۷). همچنین، هایک مالکیت خصوصی را شرط ضروری آزادی می‌داند؛ زیرا هدف از تشکیل حکومت و روی آوردن به جامعه مدنی، حمایت از حقوق طبیعی افراد است. بنابراین، در بهترین جامعه سیاسی، فعالیت‌های فرد باید خصوصی و از مقررات و مداخله دولت آزاد باشد (موسیوند و همکاران، ۱۳۹۶). دیدگاه دیگری که در مورد نحوه ارتباط اثر متقابل دموکراسی و حقوق مالکیت بر فساد وجود دارد، مربوط به رقابت است که این دو را به هم مرتبط می‌کند. در این خصوص، بسیاری از اقتصاددانان طرفدار بازار آزاد، عقیده دارند که فقدان رقابت باعث بروز فساد می‌شود و دموکراسی، رقابت بین مقامات دولتی و حقوق مالکیت، رقابت اقتصادی است. حقوق مالکیت، یکی از مشخصه‌های مهم بازار است که لازم است دولت آن را به صورتی شفاف تعریف کند تا کارایی در بازار افزایش یابد. از نظر کروگر (Krueger, 1974)، در بسیاری از اقتصادهای مبتنی بر بازار، مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی موجب ایجاد رشوه‌های مختلف می‌شود. از نظر رزاکرمن (۱۹۷۸)، رقابت بین مقامات رسمی، رشوه را نسبتاً پایین نگه می‌دارد و در صورت رسیدگی نهادهای قضایی، حتی می‌تواند رشوه به طور کامل حذف شود. رقابت، میزان رشوه‌خواری را کاهش می‌دهد و صداقت برخی از مقامات موجب پایین‌تر آمدن رشوه بازار می‌شود که در این صورت، مقامات دیگر فساد را کنار می‌گذارند (Saha, & Gounder, 2011).

رقابت بیشتر در اقتصاد، میزان رانت را کاهش می‌دهد؛ به طوری که مقامات، انگیزه کمتری برای شرکت در فعالیت‌های فساد آمیز دارند (Ades & Di Tella, 1999). بنابراین، سطح فساد به طور مشترک با اثر متقابل رقابت سیاسی (دموکراسی) و اقتصادی (حقوق مالکیت)، تعیین می‌شود. دخالت شهروندان در سرنوشت حکومت، به نظارت دقیق‌تر بر فعالیت‌های فاسد منجر می‌شود که به نوبه خود، می‌تواند انگیزه رهبران سیاسی را برای رانت‌جویی کاهش دهد. بنابراین انتظار می‌رود، اثرات متقابل دموکراسی و آزادی اقتصادی (امنیت حقوق مالکیت)، فساد و پیامدهای بعدی آن را در اقتصاد کاهش دهد.

1. Catallaxy
2. Spontaneous Order

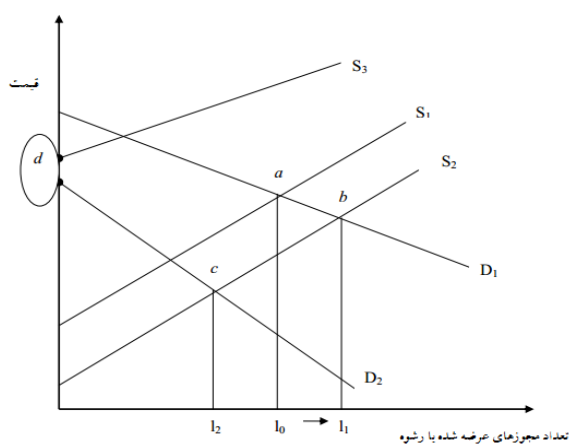
شکل (۲) یک مدل تقاضا و عرضه رقابت و فساد را نشان می‌دهد که سطح فساد با تعامل مشترک سطح رقابت سیاسی و اقتصادی تعیین می‌شود. از یک طرف، عوامل فاسد که مسؤلیت صدور مجوز و مقررات در بخش صنعتی را دارند، تعداد شرکت‌ها را مطابق میل خود محدود می‌کنند. از سوی دیگر، فساد در غیاب نظارت کارآمد و دولت دموکراتیک و عدم دخالت شهروندان در حکومت، افزایش می‌یابد؛ زیرا نهادینه شدن یک حکومت دموکراتیک، به نظارت دقیق‌تر بر عوامل فاسد منجر می‌شود که به نوبه خود، می‌تواند احتمال بروز رفتار فسادآلود رهبران را کاهش دهد.

برای بررسی دقیق‌تر نحوه تعامل رقابت اقتصادی و سیاسی بر فساد، مثال ارائه شده توسط ساها و گاندر (Saha, & Gounder, 2011) در قالب یک مدل عرضه و تقاضای رشوه و رقابت را در نظر می‌گیریم. در شکل (۲)، اساس مدل را تعاملات بین دولت و عوامل خصوصی تعیین می‌کند. فرض بر این است که بازرسان ساختمان در یک شهر بزرگ، نماینده دولت هستند و مسؤلیت صدور مجوز ساختمانی را برعهده دارند و جزء عاملان فساد هستند. از سوی دیگر، توسعه‌دهندگان دارای به‌عنوان عوامل خصوصی، پروژه‌های سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهند که نیاز به تأیید بازرسان ساختمان دارد. هنگامی که یک نماینده دولتی در قبال ارائه مجوز، درخواست رشوه کند، فساد رخ می‌دهد. ماهیت رشوه، این است که اجازه دهیم پروژه‌ها تأیید شوند، در صورتی که اگر پروژه‌ای بد باشد، نباید تصویب شود. هر یک از بازرسان ساختمان، رشوه معینی را برای ارائه مجوز در نظر می‌گیرند. منحنی عرضه S_1 تعداد مجوزهای ساخت در شهر که با رشوه به دست آمده است را نشان می‌دهد. شیب رو به بالای منحنی عرضه، نشان می‌دهد که هر یک از بازرسان حداقل مبلغی را برای دریافت رشوه در نظر می‌گیرند. مدل را از منحنی عرضه در دوران استبداد که دموکراسی برقرار نیست، شروع می‌کنیم. منحنی عرضه S_1 که با دولت استبدادی مرتبط است، لزوماً نشان‌دهنده فساد انحصاری نیست که در آن، بازرسان با یکدیگر همکاری کنند، بلکه محدوده نسبتاً کوچکی از دوستان و بستگان مأموران دولتی را در برمی‌گیرد. منحنی تقاضای رو به پایین D_1 نشان‌دهنده تمایل عاملان خصوصی به پرداخت رشوه برای دریافت مجوز است و اگر قیمت بازار پایین باشد، تعداد زیادی از افراد وجود خواهند داشت که مایل به پرداخت رشوه هستند. سطح تعادلی فساد I_0 در دوران استبداد، نقطه‌ای است که در آن، منحنی تقاضا D_1 منحنی عرضه S_1 را قطع می‌کند.

در صورتی که دموکراسی برقرار باشد، به دلیل نظارت بیشتر، تعداد بازرسان در بازار افزایش می‌یابد که منحنی عرضه را از S_1 به S_2 تغییر می‌دهد. این انتقال، نشان‌دهنده تعداد مجوزهای بیشتری است که توسط بازرسان به دوستان و خویشاوندان داده می‌شود. بنابراین با حرکت منحنی عرضه به سمت راست، سطح فساد به میزان I_1 افزایش می‌یابد. با گذشت زمان و دموکراتیزه شدن، جامعه‌ای آزاد وجود خواهد داشت که در آن، خریداران اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند و به دنبال

آن هستند که مجوز را بدون رشوه دادن، از بازرسان دریافت کنند. همچنین کسب آزادی اقتصادی، تقاضای خرید غیرقانونی را کاهش می‌دهد.

بنابراین در هر قیمت معین، خریداران کمتری تمایل به پرداخت رشوه دارند و منحنی تقاضا به سمت چپ منتقل شده و سطح فساد به I_2 تغییر می‌کند. به علاوه در نهادهای دموکراتیک پیشرفته، تأمین حقوق سیاسی و مدنی شهروندان، رفتارهای فاسد را تهدید می‌کند؛ که موجب انتقال منحنی عرضه به S_3 خواهد شد و تعادل جدید فساد به نقطه d تغییر می‌کند. به طور کلی، در گذر به سوی دموکراسی، سطح فساد از I_0 تا I_1 افزایش، و در طول دموکراسی، فساد تا سطح I_2 کاهش می‌یابد و به نظر می‌رسد، اثر مشترک دموکراسی و آزادی اقتصادی، فساد را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.



شکل ۲. سطح بهینه فساد در سطوح متفاوت دموکراسی

منبع: Saha, & Gounder, 2011

۳-۴. تصریح مدل (ساختار الگوی متقابل)

در برخی موارد در بررسی اثرات جزئی، اثر یکی از متغیرهای توضیحی بر روی متغیر وابسته به مقدار متغیر توضیحی دیگری بستگی دارد، که در این حالت می‌توان از مدل (۱) که اثر متقابل در آن در نظر گرفته شده است، استفاده کرد:

$$y = \beta_0 + \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \beta_3 x_1 x_2 + \varepsilon \quad (1)$$

اثرات جزئی در این معادله به صورت زیر خواهد بود:

$$\frac{\Delta y}{\Delta x_1} = \beta_1 + \beta_3 x_2 \quad (۲)$$

$$\frac{\Delta y}{\Delta x_2} = \beta_2 + \beta_3 x_1 \quad (۳)$$

در رابطه (۲)، اگر $\beta_3 > 0$ باشد، در این صورت، یک واحد افزایش در x_1 ، در سطوح بالای x_2 به افزایش y منجر می‌شود. معادله (۳) نیز به‌طور مشابه تحلیل می‌شود. β_2 اثر جزئی x_2 روی y ، هنگامی که x_1 صفر است را بررسی می‌کند. همچنین β_1 اثر جزئی x_1 روی y ، هنگامی که x_2 صفر است را بررسی می‌کند.

باتوجه به اینکه اثر متغیرهای x_1 و x_2 بر متغیر وابسته، به یکدیگر بستگی دارد و در سطوح متفاوت، هر یک می‌تواند تأثیر متفاوتی داشته باشد، لذا پیشنهاد می‌شود از رابطه (۴) استفاده شود؛ زیرا برای مدل‌هایی که متغیرهای x_1 و x_2 در قالب سطوح مختلف تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند، مناسب‌تر است. بنابراین، می‌توان مدل را به‌صورت رابطه (۴) بیان کرد:

$$y = \alpha_0 + \delta_1 x_1 + \delta_2 x_2 + \beta_3 (x_1 - \mu_1)(x_2 - \mu_2) + \varepsilon \quad (۴)$$

که در آن، μ_1 و μ_2 میانگین جامعه هستند، اما می‌توانند هر مقدار دلخواهی از سطوح متغیرهای توضیحی x_1 و x_2 باشند؛ به‌طوری‌که این مقدار، می‌تواند برابر با میانگین، بیشتر یا کمتر از میانگین برای هر کدام از این متغیرهای توضیحی باشد. در صورتی که از رابطه (۴) نسبت به x_1 و x_2 مشتق گرفته شود، خواهیم داشت:

$$\frac{\Delta y}{\Delta x_1} = \delta_1 + \beta_3 (x_2 - \mu_2) \quad (۵)$$

$$\frac{\Delta y}{\Delta x_2} = \delta_2 + \beta_3 (x_1 - \mu_1) \quad (۶)$$

با مساوی قرار دادن روابط (۲) و (۵)، می‌توان رابطه $\delta_1 = \beta_1 + \beta_3 \mu_2$ را نتیجه گرفت و همچنین از تساوی دو رابطه (۳) و (۶)، رابطه $\delta_2 = \beta_2 + \beta_3 \mu_1$ را استخراج کرد.

به‌طور مثال، در معادله (۳-۱)، فرض کنید β_1 ضریب متغیر توضیحی x_1 ، عددی منفی برآورد شود که اثر این متغیر، به متغیر توضیحی x_2 که ضریب آن نیز منفی برآورد شده، وابسته باشد. همچنین، β_3 ضریب حاصل‌ضرب این دو متغیر، عددی مثبت باشد. در صورتی که هر یک از ضرایب این متغیرها به‌تنهایی تفسیر شوند، ممکن است تحلیل گمراه‌کننده‌ای از ضریب x_1 که بدون توجه به سطوحی از متغیر توضیحی x_2 رخ داده، انجام شود. در صورتی که برای به‌دست آوردن اثر جزئی x_1 بر روی y ، باید از رابطه $\delta_1 = \beta_1 + \beta_3 \mu_2$ استفاده کرد که در نتیجه، اثر جزئی آن در سطوحی از متغیر x_2 مثبت خواهد شد (Wooldridge, 2006:208).

در مطالعه حاضر، برای بررسی اثر متقابل امنیت حقوق مالکیت و دموکراسی بر فساد مالی، ابتدا معادله زیر بر اساس مدل ساها و همکاران (Saha *et al.*, 2009) ارائه می‌شود:

$$CPI_{it} = \beta_0 + \beta_1 EF_{it} + \beta_2 DEMO_{it} + \beta_3 EF_{it} * DEMO_{it} + \beta_4 \log(RGDP)_{it} + \beta_5 UNEM_{it} + \beta_6 GINI_{it} + \beta_7 GER_{it} + \varepsilon_{it} \quad (7)$$

اثرات جزئی، نیز به صورت معادلات زیر است:

$$\frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta DEMO_{it}} = \beta_2 + \beta_3 EF_{it} \quad (8)$$

$$\frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta EF_{it}} = \beta_1 + \beta_3 DEMO_{it} \quad (9)$$

در معادله (۸)، اگر ضریب $\beta_3 < 0$ باشد، آنگاه یک واحد افزایش در شاخص دموکراسی در سطوح بالای شاخص امنیت حقوق مالکیت، فساد را به میزان بیشتری کاهش می‌دهد. به‌طور مشابه، در معادله (۹) نیز منفی بودن این ضریب، نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در شاخص امنیت حقوق مالکیت در سطوح بالای دموکراسی، فساد را بیشتر کاهش می‌دهد.

به‌منظور بررسی دقیق اثر جزئی دموکراسی روی فساد مالی در سطوح مختلف امنیت حقوق مالکیت و همچنین بررسی اثر جزئی امنیت حقوق مالکیت بر فساد مالی در سطوح مختلف دموکراسی، از معادله زیر استفاده می‌شود:

$$CPI_{it} = \alpha_0 + \delta_1 EF_{it} + \delta_2 DEMO_{it} + \beta_3 (EF_{it} - \mu_1) * (DEMO_{it} - \mu_2) + \beta_4 \log(RGDP)_{it} + \beta_5 UNEM_{it} + \beta_6 GINI_{it} + \beta_7 GER_{it} + \varepsilon_{it} \quad (10)$$

در روابط فوق، CPI شاخص ادراک فساد مالی، α_0 عرض از مبدأ و EF شاخص امنیت حقوق مالکیت است که یکی از اجزای آزادی اقتصادی است. DEMO شاخص دموکراسی، $\log(RGDP)$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی، UNEM نرخ بیکاری، GINI شاخص جینی و GER نرخ ناخالص ثبت‌نام در مقطع متوسطه هستند. δ_1 اثر جزئی حقوق مالکیت روی فساد مالی و δ_2 اثر جزئی دموکراسی روی فساد مالی هستند که می‌باید تخمین زده شوند. μ_1 و μ_2 به ترتیب، سطوح متغیرهای حقوق مالکیت و دموکراسی هستند که مقادیر صفر تا ده را می‌گیرند. همچنین i نشان-دهنده کشور و t نشان‌دهنده سال است. کشورهای مورد مطالعه شامل ۵۹ کشور با شاخص توسعه انسانی مختلف^۱ هستند که الگوی فوق برای آنها برآورد شده است.

۱. اسامی کشورهای نمونه در پیوست ارائه شده است.

برای بررسی اثر دموکراسی روی فساد مالی، از سه شاخص Political Rights, FH, Polity2 استفاده شده است^۱. علت استفاده از سه شاخص برای دموکراسی، این است که قوت نتایج به دست آمده از تخمین مدل‌ها بیشتر شود؛ چون ممکن است محقق با استفاده از یک شاخص، به نتیجه مورد نظر برسد ولی از سایر شاخص‌ها، این نتیجه به دست نیاید؛ در حالی که اگر نتیجه مورد نظر با هر سه شاخص به دست آید، می‌توان گفت که نتایج به دست آمده، وابسته به شاخص استفاده شده نیست و می‌توان به آنها اعتماد کرد.

علاوه بر موارد فوق، به منظور تحلیل درست علامت ضرایب برآورد شده، مقیاس داده‌های شاخص‌های فساد مالی، امنیت حقوق مالکیت و دموکراسی با استفاده از فرمول ساها و همکاران (Saha et al., 2009)، یکسان‌سازی شده، و مقادیر همه این شاخص‌ها در بازه صفر تا ۱۰ قرار گرفته است^۲. بر مبنای این تغییر مقیاس، در مورد متغیر فساد مالی، مقادیر کمتر این شاخص، به معنی فساد کمتر و مقادیر بیشتر آن، به معنی فساد بیشتر است؛ در حالی که در شاخص اصلی سازمان بین‌المللی شفافیت (CPI)، مقادیر بیشتر شاخص، به معنی فساد کمتر است و برعکس بودن شاخص تا حدی تحلیل ضرایب را بویژه در مورد حاصل ضرب دو متغیر دموکراسی و امنیت حقوق مالکیت (EF*DEMO)، دچار مشکل می‌کند.

۱. داده‌های شاخص حقوق مالکیت، از سایت بنیاد هریتیج، داده‌های شاخص دموکراسی، از سایت خانه آزادی و از Polity2 و داده‌های شاخص فساد مالی، از سازمان بین‌المللی شفافیت گردآوری شده است. همچنین داده‌های مربوط به متغیرهای کنترل اجتماعی-اقتصادی شامل (نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی واقعی، شاخص جینی و نرخ ناخالص ثبت‌نام در مقطع متوسطه)، از سایت بانک جهانی و شاخص‌های توسعه جهانی استخراج شده‌اند.

۲. مقیاس همه این شاخص‌ها با استفاده از رابطه زیر، به صفر تا ده تغییر داده شده است.

$$\text{New Value} = \left[(\text{Maxnew} - \text{Minnew}) * \frac{\text{Oldvalue} - \text{Minold}}{\text{Maxold} - \text{Minold}} \right] + \text{Minnew}$$

در رابطه فوق، New Value ارزش جدید متغیر، Maxnew بیشترین مقدار ارزش جدید، Minnew کمترین مقدار ارزش جدید، Oldvalue ارزش قبلی متغیر، Maxold بیشترین مقدار ارزش قبلی و Minold کمترین ارزش قبلی متغیر هستند. با توجه به اینکه هدف مطالعه حاضر، محاسبه حدآستانه‌ای در سطوح ۰ تا ۱۰ متغیرهای دموکراسی و حقوق مالکیت است و مقیاس شاخص‌های سنجش این دو متغیر و همچنین شاخص فساد، متفاوت هستند، با استفاده از رابطه فوق، مقیاس شاخص‌های مورد استفاده در مطالعه، به ۰ تا ۱۰ تغییر داده شده‌اند؛ به طوری که عدد ۰ نشان‌دهنده (کمترین مقدار شاخص) و عدد ۱۰ نشان‌دهنده (بیشترین مقدار شاخص) است.

۴. تجزیه و تحلیل تجربی نتایج

۴-۱. بررسی آماری جایگاه ایران و کشورهای نمونه از حیث شاخص‌های مختلف

در این بخش، خلاصه آماری داده‌های کشورهای نمونه شامل میانگین، انحراف معیار، مقادیر حداکثر و حداقل آنها و همچنین متوسط شاخص‌های فساد مالی، دموکراسی و حقوق مالکیت کشور ایران، به ترتیب، در جدول‌های (۱) و (۲) آورده شده‌اند.

جدول ۱. آمار مربوط به داده‌های کشورهای نمونه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
فساد مالی	۴/۹۹۶	۲/۱۰۳	۸/۲	۰/۳
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	۴/۱۵۴	۱/۱۱۵	۸/۸۹۴	۱/۴۴۷
نرخ بیکاری	۸/۴۲۸	۴/۵۴۰	۲۷/۴۶۶	۰/۲۱
شاخص جینی	۳۶/۶۶۹	۹/۲۵۱	۵۹/۵۱	۲۳/۴
نرخ ثبت نام در مقطع متوسطه	۹۵/۹۸۷	۱۵/۱۵۷	۱۶۴/۸۱۱	۴۹/۸۳۸
حقوق مالکیت	۵/۳۸۲	۲/۳۴۷	۹/۵	۱
دموکراسی (FH)	۷/۱۴۸	۳/۱۲۸	۱۰	۰
دموکراسی (Polity2)	۷/۷۷۱	۳/۱۶۱	۱۰	۰
دموکراسی (Political)	۷/۰۳۶	۳/۴۲۱	۱۰	۰
تعداد مشاهدات: ۵۹۰				

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۲. متوسط داده‌های فساد، دموکراسی و حقوق مالکیت در ایران

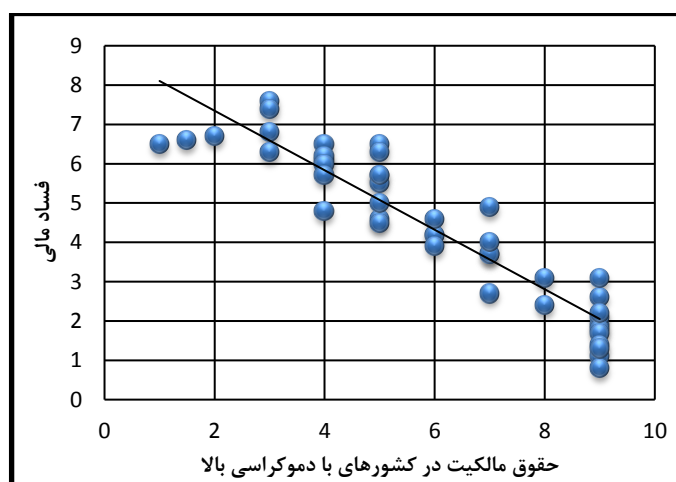
متغیر	میانگین
فساد مالی	۷/۴۹
حقوق مالکیت	۱
دموکراسی (FH)	۱/۶۶۶۶۶۷
دموکراسی (Polity2)	۱/۷
دموکراسی (Political)	۱/۶۶۶۶۶۷

مأخذ: محاسبات تحقیق

بررسی آمارهای مختلف، بیانگر این واقعیت است که متأسفانه ایران از حیث شاخص‌های دموکراسی، حقوق مالکیت و فساد مالی نسبت به کشورهای نمونه، از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست. به‌عنوان مثال، بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت، ایران در سال ۲۰۱۴ از نظر شاخص فساد مالی با کسب نمره ۲۷ حائز رتبه ۱۳۶ در بین ۱۷۵ کشور است که نشان‌دهنده بالا بودن میزان فساد

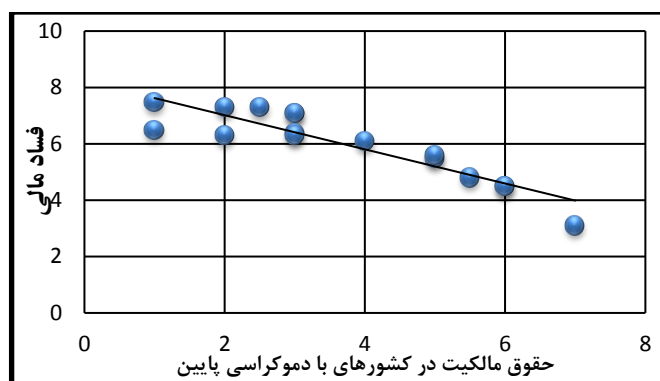
مالی در ایران نسبت به کشورهای نمونه است. براساس گزارش سازمان آزادی در سال ۲۰۱۴ نمره ایران در شاخص دموکراسی (مجموع حقوق سیاسی و آزادی مدنی) ۱۲ و از نظر شاخص حقوق سیاسی برابر ۶ و از نظر شاخص Polity2 برابر ۷- است. این مقادیر، بیانگر آن است که ایران در زمره کشورهایی با دموکراسی پایین قرار گرفته است. همچنین براساس گزارش بنیاد هریتیج در سال ۲۰۱۴، نمره ایران در شاخص حقوق مالکیت، ۱۰ از ۱۰۰ است که از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.^۱

همچنین برای درک بهتر رابطه بین دموکراسی، حقوق مالکیت و فساد مالی، نمودارهای (۱) و (۲) با استفاده از داده‌های این سه متغیر در هر دو گروه کشورها، با شاخص دموکراسی بالا و پایین در سال ۲۰۱۴ ارائه شده‌اند. در کشورهایی که از دموکراسی بالایی برخوردارند، مقدار عددی شاخص حقوق سیاسی بالاتر از ۵ است و در کشورهایی که دموکراسی پایینی دارند، مقدار عددی این شاخص پایین‌تر از ۵ است.



نمودار ۱. رابطه حقوق مالکیت و فساد مالی در کشورهای با دموکراسی بالا در سال (۲۰۱۴)

۱. ذکر این نکته ضروری است که محدوده شاخص‌های مختلف ارائه شده در جدول‌های فوق ۰ (حداقل میزان شاخص) تا ۱۰ (حداکثر میزان شاخص) است. بنابراین، با مقایسه جدول‌های (۱) و (۲) نیز می‌توان گفت ایران از نظر شاخص‌های دموکراسی و حقوق مالکیت نسبت به متوسط مقادیر این شاخص‌ها در کشورهای نمونه، در سطح پایینی قرار دارد و میزان شاخص فساد نیز در این کشور بالا است.



نمودار ۲. رابطه حقوق مالکیت و فساد مالی در کشورهای با دموکراسی پایین در سال (۲۰۱۴)

در نمودارهای (۱) و (۲)، به نظر می‌رسد که حفاظت از حقوق مالکیت در هر دو گروه کشورهای با سطوح بالا و پایین دموکراسی، موجب کاهش فساد شده است. بنابراین، آنچه از این دو نمودار برداشت می‌شود، این است که اگر دموکراسی و حفاظت از حقوق مالکیت، همزمان در جامعه‌ای برقرار باشند، ممکن است فساد را به طرز مؤثرتری کاهش دهند.

۲-۴. آزمون ریشه واحد

قبل از انجام برآورد مدل، برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب، می‌باید وجود یا عدم وجود ریشه واحد در داده‌های پانل بررسی شود. برای این منظور، نتیجه آزمون ریشه واحد فیشر در جدول (۳) ارائه شده است. باتوجه به احتمال به‌دست آمده، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد، رد می‌شود و داده‌های پژوهش در سطح مانا هستند.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد

متغیر	مقدار آماره	P-value	وضعیت
فساد مالی	۱۲/۵۱	۰/۰۰۰	مانا در سطح
امنیت حقوق مالکیت	۱۰/۸۵	۰/۰۰۰	مانا در سطح
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	۱۵/۳۴	۰/۰۰۰	مانا در سطح
شاخص جینی	۱۷/۶۴	۰/۰۰۰	مانا در سطح
بیکاری	۱۲/۰۱	۰/۰۰۰	مانا در سطح
نرخ ناخالص ثبت نام در مقطع متوسطه	۵/۹۷	۰/۰۰۰	مانا در سطح
شاخص دموکراسی (FH)	۴/۵۷	۰/۰۰۰	مانا در سطح

وضعیت	P-value	مقدار آماره	متغیر
مانا در سطح	۰/۰۰۰	۴/۵۳	شاخص دموکراسی (Polity2)
مانا در سطح	۰/۰۰۰	۵/۳۶	شاخص دموکراسی (Political rights)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳-۴. آزمون تشخیص نوع الگو

قبل از شروع تخمین مدل، باید آزمون‌های لازم برای تشخیص ترکیبی یا تلفیقی بودن مدل و همچنین وجود یا عدم وجود اثرات ثابت یا تصادفی، انجام گیرد.

۴-۴. آزمون F لیمر و هاسمن

در این پژوهش، از آزمون F لیمر برای پی بردن به تلفیقی یا پانل بودن داده‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون‌ها برای کشورهای نمونه در هر سه شاخص مربوط به سنجش دموکراسی، بیانگر مناسب بودن الگوی پانل است. رد فرضیه صفر این آماره، به معنی مناسب بودن الگوی پانل است. با توجه به نتایج جدول (۴)، پانل بودن داده‌ها اثبات شده است، لذا باید وجود اثرات ثابت و تصادفی بررسی گردد. برای بررسی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. رد فرضیه صفر در این آزمون، وجود اثرات ثابت را تأیید می‌کند.

جدول ۴. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نتیجه	آزمون هاسمن	آزمون F لیمر	مقدار احتمال و آماره	شاخص دموکراسی
الگوی پانل و اثرات ثابت	۲۷۲/۲۰	۳۹/۰۸	آماره	Political Rights
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P-value	
الگوی پانل و اثرات ثابت	۱۳۵/۹۹	۳۸/۶۴	آماره	FH
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P-value	
الگوی پانل و اثرات ثابت	۱۵۱/۵۸	۳۸/۱۲	آماره	Polity2
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P-value	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس آنچه در جدول بالا در مورد شاخص‌های دموکراسی (FH، Polity2 و Political Rights) ارائه شده است، در هر سه مورد، نتایج آزمون F لیمر و هاسمن، نشان‌دهنده مدل با ساختار پانل و وجود اثرات ثابت است.

۴-۵. برآورد الگو

الگوی مطرح‌شده در این پژوهش، در چارچوب روش داده‌های تابلویی برای شاخص CPI بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۵ برای تعدادی از کشورهای مختلف برآورد شده است. برای این منظور، ابتدا مدل با روش اثرات ثابت تخمین زده شده، و نتیجه آزمون‌های واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی ارائه شده است. جدول (۵) نتایج آزمون واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی را نشان می‌دهد؛ به طوری که نتایج، بیانگر وجود واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی بین اجزای اخلاص است و به همین دلیل، در ادامه از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برای رفع این دو مشکل استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی

نتیجه	آزمون خودهمبستگی	آزمون واریانس ناهمسانی	مقدار احتمال و آماره	شاخص دموکراسی
وجود واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی	۱۲۱/۷۷۷	۱۹۸۲/۴۶	آماره	Political Rights
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P-value	
وجود واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی	۱۲۲/۴۵۰	۲۰۲۰/۳۵	آماره	FH
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P-value	
وجود واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی	۱۲۲/۲۲۸	۱۸۹۸/۸۹	آماره	Polity2
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P-value	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴-۶. برآورد مدل با استفاده از شاخص‌های FH، Political Rights و Polity2

برای بررسی اثر متقابل امنیت حقوق مالکیت و دموکراسی، معادله (۷) با در نظر گرفتن شاخص‌های مختلف برای متغیر دموکراسی برآورد شده است. هدف از آزمون این رابطه، بررسی معنی‌داری متغیرها و همچنین تمرکز اصلی بر روی ضریب متغیر حاصل ضرب حقوق سیاسی و امنیت حقوق مالکیت بر

۱. با توجه به اینکه داده‌های متغیر ضریب جینی در سال‌های ۲۰۱۵ به بعد موجود نیست، تخمین مدل در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۴ انجام شده است.

فساد مالی در کشورهای منتخب است. نتایج به دست آمده برای کشورهای نمونه، در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج برآورد مدل با شاخص‌های مختلف دموکراسی

Polity2	FH	Political Rights	شاخص متغیر
۸/۷۸۶***	۸/۵۶۴***	۸/۸۳***	عرض از مبدأ
-۰/۲۲۷***	-۰/۲۲***	-۰/۲۳۲***	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
-۰/۰۱۵***	-۰/۰۱۳***	-۰/۰۱۴***	نرخ ناخالص ثبت نام در مقطع متوسطه
۰/۰۳۶***	۰/۰۳۶***	۰/۰۳۶***	بیکاری
۰/۰۱۳***	۰/۰۱۷***	۰/۰۱۷***	شاخص ضریب جینی
-۰/۰۴۰۷***	-۰/۳۳۹***	-۰/۳۹۴***	امنیت حقوق مالکیت
۰/۲۱۲***	۰/۱۸***	۰/۱۵۹***	دموکراسی
-۰/۰۳۷***	-۰/۰۴۲***	-۰/۰۳۶***	دموکراسی* امنیت حقوق مالکیت

مأخذ: یافته‌های تحقیق

*** نشان‌دهنده سطح معناداری یک درصد است.

به منظور برطرف کردن مشکل خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی، هر سه مدل تحقیق، به روش GLS برآورد شده است. نتایج حاصل از برآورد هر سه مدل، بیانگر رابطه منفی بین تولید ناخالص داخلی و فساد مالی است که همسو با نتایج مطالعات بیلگر و گل (Billger & Goel, 2009)، یلماز و ارواس (Ylmaz & Arvas, 2011) و دانگ و تورگلر (Dong & Torgler, 2011) است. نرخ ناخالص ثبت نام در مقطع متوسطه هم اثر منفی روی فساد مالی دارد و همسو با نتایج مطالعه تیواری (Tiwari, 2012) است. ضریب متغیرهای نرخ بیکاری و ضریب جینی در مدل‌های برآوردشده، مثبت و معنادار است و می‌توان گفت که با افزایش بیکاری و بدتر شدن توزیع درآمد، فساد مالی افزایش می‌یابد.

نتایج حاصل از برآورد هر سه مدل در مورد اثر شاخص امنیت حقوق مالکیت روی فساد مالی، نشان می‌دهد که با وجود اینکه اثر این متغیر روی فساد مالی، وابسته به مقدار شاخص دموکراسی است، خود این متغیر، به تنهایی و بدون توجه به وضعیت محیط سیاسی، می‌تواند فساد مالی را کاهش دهد؛ اما با بهبود شاخص دموکراسی، اثر این شاخص روی فساد مالی تقویت می‌شود. این نتیجه، همسو با نتایج حاصل از مطالعه ساها و همکاران (Saha et al., 2009) است.

نتایج حاصل از برآورد مدل در مورد اثر شاخص دموکراسی روی فساد مالی، نشان می‌دهد که اثر این متغیر روی فساد مالی، وابسته به مقدار شاخص امنیت حقوق مالکیت است و در سطوح پایین امنیت حقوق مالکیت، دموکراسی باعث افزایش فساد مالی می‌شود؛ اما در سطوح بالای این متغیر، اثر منفی روی فساد مالی دارد و باعث کاهش آن می‌شود. این نتیجه نیز همسو با نتایج حاصل از مطالعه ساها و همکاران (Saha et al., 2009) است.

۴-۷. بررسی اثرات جزئی حقوق مالکیت و دموکراسی روی فساد مالی

انتظار می‌رود، دموکراسی موجب کاهش فساد مالی شود. به همین دلیل، برای جلوگیری از خطا در بررسی اثر دموکراسی بر فساد مالی و نقش حفاظت از حقوق مالکیت در تأثیر دموکراسی بر فساد مالی، اثرات جزئی این دو متغیر بر فساد مالی، باید با توجه به اثر متقابل (حاصل ضرب) این دو متغیر، مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور، معادله (۱۰) تخمین زده می‌شود که نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است. حدود آستانه‌ای امنیت حقوق مالکیت با شاخص‌های مختلف دموکراسی، به صورت زیر است:

$$\frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta FH_{it}} = \beta_2 + \beta_3 EF_{it} \quad \left| \quad \frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta Polity 2_{it}} = \beta_2 + \beta_3 EF_{it} \quad \right| \quad \frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta PoliticalRights_{it}} = \beta_2 + \beta_3 EF_{it}$$

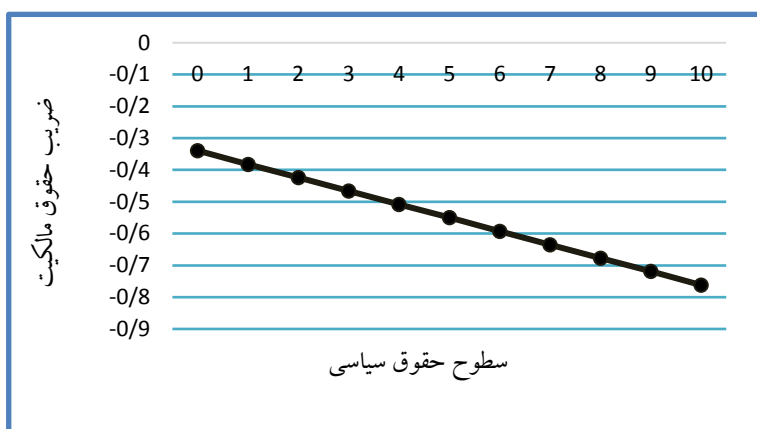
$$\frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta FH_{it}} = 0.18 - 0.42 EF_{it} = 0 \quad \left| \quad \frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta Polity 2_{it}} = 0.212 - 0.037 EF_{it} = 0 \quad \right| \quad \frac{\Delta CPI_{it}}{\Delta PoliticalRights_{it}} = 0.159 - 0.036 EF_{it} = 0$$

$$EF_{it} = 4.286 \quad \left| \quad EF_{it} = 5.729 \quad \right| \quad EF_{it} = 4.417$$

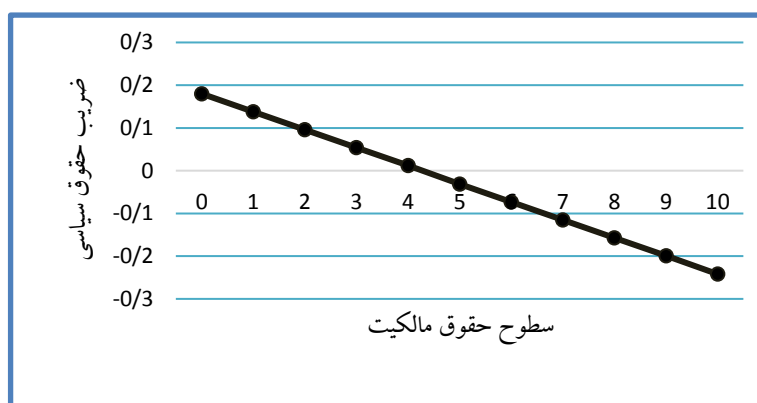
جدول ۷. اثرات جزئی حقوق مالکیت و دموکراسی بر فساد مالی

اثرات جزئی حقوق مالکیت و FH بر فساد مالی		اثرات جزئی حقوق مالکیت و Polity2 بر فساد مالی		اثرات جزئی حقوق مالکیت و Political Rights بر فساد مالی		ردیف
$\delta_2 (FH)$ $\mu_1 = 1, 2, \dots, 10$	حقوق مالکیت δ_1 $\mu_2 = 1, 2, \dots, 10$	$\delta_2 (Polity2)$ $\mu_1 = 1, 2, \dots, 10$	حقوق مالکیت δ_1 $\mu_2 = 1, 2, \dots, 10$	δ_2 حقوق سیاسی $\mu_1 = 1, 2, \dots, 10$	حقوق مالکیت δ_1 $\mu_2 = 1, 2, \dots, 10$	
-۰/۱۳۸	-۰/۳۸۲	۰/۱۷۵	-۰/۴۴۵	۰/۱۲۳	-۰/۴۳	$\mu = 1$
-۰/۰۹۶	-۰/۴۲۴	۰/۱۳۸	-۰/۴۸۲	۰/۰۸۷	-۰/۴۶۶	$\mu = 2$
-۰/۰۵۴	-۰/۴۶۶	۰/۱	-۰/۵۱۹	۰/۰۵۱	-۰/۵۰۲	$\mu = 3$
-۰/۰۱۲	-۰/۵۰۸	۰/۰۶۳	-۰/۵۵۶	۰/۰۱۵	-۰/۵۳۸	$\mu = 4$
-۰/۰۲۱	-۰/۵۵	۰/۰۲۶	-۰/۵۹۳	-۰/۰۲۱	-۰/۵۷۴	$\mu = 5$
-۰/۰۷۳	-۰/۵۹۳	-۰/۰۱۱	-۰/۶۳۱	-۰/۰۵۷	-۰/۶۱	$\mu = 6$
-۰/۱۱۵	-۰/۶۳۵	-۰/۰۴۹	-۰/۶۶۸	-۰/۰۹۳	-۰/۶۴۷	$\mu = 7$
-۰/۱۵۷	-۰/۶۷۷	-۰/۰۸۶	-۰/۷۰۵	-۰/۱۲۹	-۰/۶۸۳	$\mu = 8$
-۰/۱۹۹	-۰/۷۱۹	-۰/۱۲۳	-۰/۷۴۲	-۰/۱۶۶	-۰/۷۱۹	$\mu = 9$
-۰/۲۴۲	-۰/۷۶۲	-۰/۱۶۰	-۰/۷۷۹	-۰/۲۰۲	-۰/۷۵۵	$\mu = 10$

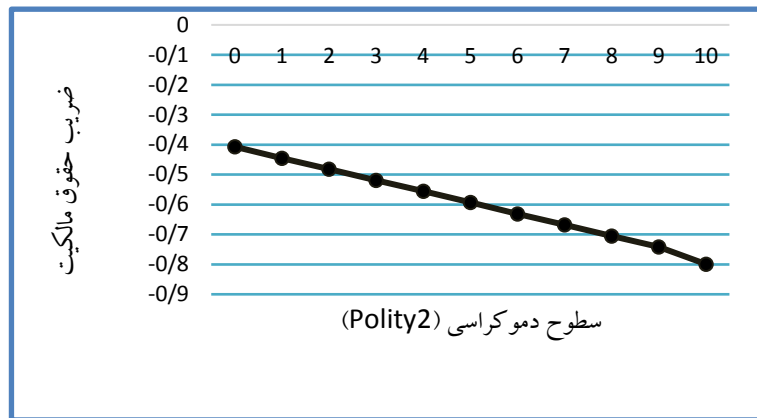
مأخذ: یافته‌های تحقیق



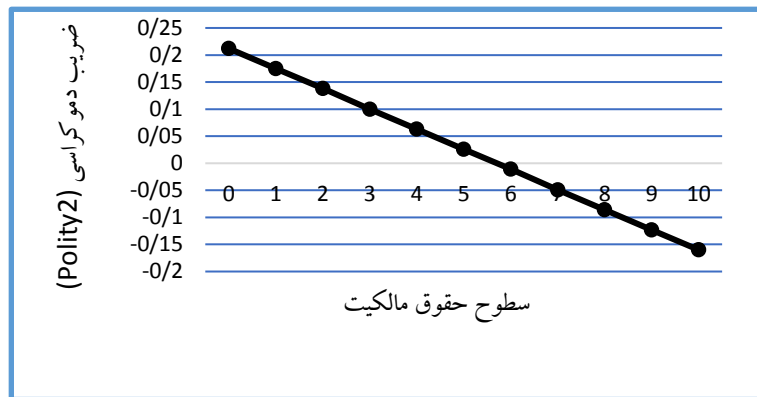
نمودار ۳. اثر جزئی حقوق مالکیت بر فساد مالی در سطوح متفاوت حقوق سیاسی



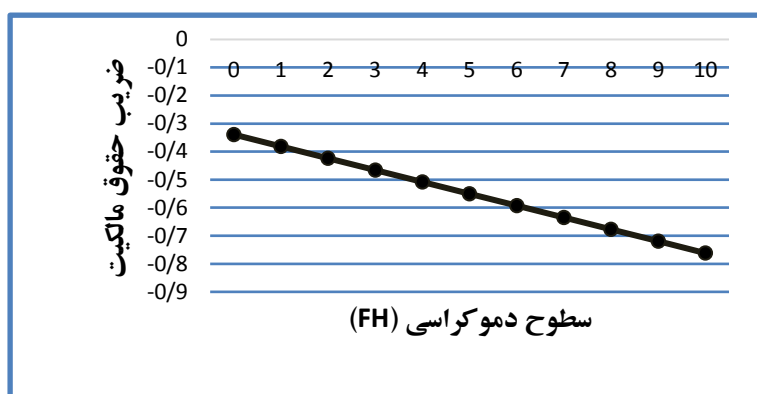
نمودار ۴. اثر جزئی حقوق سیاسی بر فساد مالی در سطوح متفاوت حقوق مالکیت



نمودار ۵. اثر جزئی حقوق مالکیت بر فساد مالی در سطوح متفاوت Polity2



نمودار ۶. اثر جزئی Polity2 بر فساد مالی در سطوح متفاوت حقوق مالکیت



نمودار ۷. اثر جزئی حقوق مالکیت بر فساد مالی در سطوح متفاوت FH



نمودار ۸. اثر جزئی FH بر فساد مالی در سطوح متفاوت حقوق مالکیت

براساس نتایج جدول فوق، دموکراسی با نزدیک شدن حقوق مالکیت به سطح آستانه‌ای ۵ (با شاخص Political Rights و FH) و ۶ (با شاخص Polity2)، شروع به کاهش فساد مالی می‌کند. ملاحظه می‌شود، تأثیر دموکراسی در سطوح مختلف امنیت حقوق مالکیت بر فساد مالی، متفاوت است. بنابراین، نباید از نقش مهم امنیت حقوق مالکیت در اثرگذاری دموکراسی بر فساد مالی غافل بود؛ چرا که دموکراسی در سطوح بالای امنیت حقوق مالکیت، مانع بروز فساد مالی می‌شود. همچنین، امنیت حقوق مالکیت در هر محیط سیاسی، فساد مالی را کاهش می‌دهد، اما اثر آن بر کاهش فساد مالی در سطوح بالای دموکراسی، مؤثرتر است. این نتیجه‌گیری با دیدگاه هر دو گروه اقتصاددانان نهادگرا و سایر اقتصاددانان مطابقت دارد و این دو متغیر، هر دو با تأثیرگذاری بر یکدیگر، مانع گسترش فساد در جامعه خواهند شد. نمودارهای (۳) تا (۸) اثرات جزئی حقوق مالکیت و دموکراسی (Polity2, Political Rights و FH) در سطوح متفاوت دموکراسی و حقوق مالکیت را نشان می‌دهند.

همچنین برای بررسی تأثیر میزان توسعه‌یافتگی بر فساد مالی، یک متغیر مجازی d_1 (که مقدار آن برای کشورهای توسعه‌یافته، برابر ۱ و برای کشورهای در حال توسعه، برابر ۰ است) در نظر گرفته شده است^۱. بنابراین، نتایج برآورد مدل با شاخص‌های مختلف دموکراسی و با در نظر گرفتن متغیر مجازی برای میزان توسعه‌یافتگی، در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج برآورد مدل با شاخص‌های مختلف دموکراسی و در نظر گرفتن متغیر مجازی برای میزان توسعه‌یافتگی

Polity2	FH	Political Rights	شاخص متغیر
۸/۸۸***	۸/۶۸***	۸/۹۲۶***	عرض از مبدأ
-۰/۲۲۷***	-۰/۱۹۹***	-۰/۳۱۱***	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
-۰/۰۱۳***	-۰/۰۱۳***	-۰/۰۱۳***	نرخ ناخالص ثبت نام در مقطع متوسطه
۰/۰۳***	۰/۰۳۳***	۰/۰۳۵***	بیکاری
۰/۰۰۹***	۰/۰۱۳***	۰/۰۱۲***	شاخص جینی
-۰/۳۸***	-۰/۳۵***	-۰/۳۹***	امنیت حقوق مالکیت
۰/۲۰۲***	۰/۱۶۶***	۰/۱۴۶***	دموکراسی
-۰/۰۳۶***	-۰/۰۳۶***	-۰/۰۳۱***	دموکراسی+امنیت حقوق مالکیت
-۰/۲۷***	-۰/۳۱***	-۰/۳۴***	متغیر مجازی

مأخذ: یافته‌های تحقیق *** نشان‌دهنده سطح معناداری یک درصد است.

نتایج برآورد مدل با شاخص‌های Political Rights، FH و Polity2، بیانگر آن است که یک واحد افزایش در میزان توسعه‌یافتگی، به ترتیب، موجب ۰/۳۴-، ۰/۳۱- و ۰/۲۷- واحد کاهش در فساد مالی می‌شود و رابطه منفی و معناداری بین توسعه‌یافتگی و فساد مالی وجود دارد.

۸-۴. محاسبه ماتریس ضرایب همبستگی بین شاخص‌های مختلف دموکراسی و مقایسه نتایج آن با برآورد الگو

ماتریس ضرایب همبستگی بین شاخص‌های دموکراسی (FH، Polity2 و Political Rights) به صورت زیر است:

۱. براساس گزارش شاخص توسعه انسانی سازمان ملل، کشورها از نظر توسعه‌یافتگی، به دو دسته کلی توسعه‌یافته (با توسعه انسانی بسیار بالا) و در حال توسعه (با توسعه انسانی بالا، متوسط و پایین) تقسیم می‌شوند. با توجه به اینکه کشورهای نمونه شامل تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (با شاخص توسعه انسانی بالا و متوسط) هستند، یک متغیر مجازی برای میزان توسعه‌یافتگی در نظر گرفته شده است.

جدول ۹. ماتریس ضرایب همبستگی بین شاخص‌های مختلف دموکراسی

شاخص	FH	Polity2	Political Rights
FH	۱		
Polity2	۰/۸۷۸۰	۱	
Political Rights	۰/۹۹۲۴	۰/۸۷۷۹	۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج جدول فوق، می‌توان گفت همبستگی بالایی بین شاخص‌های مختلف دموکراسی وجود دارد (هرچه ضرایب محاسبه شده به عدد یک نزدیکتر باشند، میزان همبستگی بیشتر خواهد بود). به علاوه، اختلاف ناچیز بین ضرایب برآورد شده مدل با هر سه شاخص، حاکی از همبستگی بالا بین هر سه شاخص مذکور است. بر این مبنای می‌توان گفت که نتایج به دست آمده، وابسته به شاخص استفاده شده برای دموکراسی نیست و می‌توان به آنها اعتماد کرد.

۵. خلاصه و نتیجه‌گیری

اعتقاد کلی، آن است که دموکراسی موجب کاهش فساد مالی می‌شود، ولی آیا واقعا چنین است؟ چراکه شواهد برخی از کشورها مانند هند که از دموکراسی بالایی برخوردار است، نشان می‌دهد که این کشور، فساد بالایی را تجربه می‌کند؛ در صورتی که در این کشور، حقوق مالکیت به خوبی حفاظت نشده است. بنابراین، همان‌گونه که نتایج نیز نشان می‌دهد، امنیت حقوق مالکیت، یکی از متغیرهایی است که با تأثیرگذاری بر دموکراسی، موجب کاهش فساد شده است و حفاظت از حقوق مالکیت در کاهش فساد نسبت به دموکراسی، نقش مؤثری داشته و در هر محیط سیاسی، به کاهش فساد منجر خواهد شد؛ به طوری که سیاست‌های ضد فساد که اصلاح نهادهای دموکراتیک را پیشنهاد می‌کنند، در صورتی که با حمایت از حقوق مالکیت همراه نباشد، ممکن است فساد را افزایش دهد.

از طرفی، امنیت حقوق مالکیت، روند مبارزه با فساد را در سطوح بالای دموکراسی تسریع می‌کند؛ بنابراین، امنیت حقوق مالکیت و دموکراسی، هر دو از جمله عوامل مؤثر بر کاهش فساد هستند. می‌توان گفت سیاست‌های تشویقی که توسط دولتمردان برای یکی از نهادهای برقراری دموکراسی یا امنیت حقوق مالکیت اتخاذ شود، ممکن است کارآمد نباشد؛ زیرا این دو نهاد با همکاری یکدیگر می‌توانند تأثیر بالقوه‌ای بر کاهش فساد داشته باشند. به علاوه، وجود یک نظام قضایی مستقل (دولت کمترین دخالت را در رأی دادگاه‌ها داشته باشد) که حقوق مالکیت را تضمین کند، موجب کارآمدی سیاست‌های تشویقی اتخاذ شده توسط دولتمردان برای نهادهای برقراری دموکراسی خواهد شد.

همچنین، حمایت از حقوق مالکیت معنوی و حق اختراع باید در کشورها به خوبی تعریف شود تا حقوق افراد یا شرکت‌ها نقض نشود و انگیزه آنان برای شرکت در فعالیتهای مولد از بین نرود.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، محسن؛ چکاوک، احمد و بازگیر، شهرام (۱۳۹۴). بررسی ارتباط دموکراسی، حکمرانی خوب و فساد اقتصادی در دو گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد.
- استوار، مجید (۱۳۸۷). تأثیر اندیشه هایک بر ایدئولوژی‌های سیاسی راست و چپ. *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴: ۹۷-۷۷.
- جعفری صمیمی، احمد و صالحی، علی (۱۳۹۲). تأثیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر فساد مالی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران. *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۶۱: ۱۴-۱.
- حیدری، حسن؛ جهانگیر زاده، جواد و سعید پور، لسیان (۱۳۹۴). تأثیر اندازه دولت و دموکراسی بر فساد در کشورهای عضو اوپک. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، شماره ۸۱، سال ۲۲: ۲۱۱-۱۸۸.
- دادگر، یداله و بزنگانی، هاشم (۱۳۹۰). جایگاه حقوق مالکیت در استحکام نظام اقتصادی. *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۵.
- رزآکرمن، سوزان (۱۳۸۵). فساد و دولت. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: پردیس دانش.
- سامتی، مرتضی؛ شهنازی، روح اله و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۸۵). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۲۸، سال ۸: ۱۰۵-۸۷.
- صالحی، حسین (۱۳۹۶). رقابت، انحصار و تمرکز در صنایع ایران تحلیل و پیشنهادها. *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۳۴ و ۳۵: ۲۲۹-۱۸۵.
- صامتی، مجید؛ شهنازی، روح اله و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۸۹). امنیت حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و رشد اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد ایران*، شماره ۴۴، سال ۱۵: ۱۰۹-۸۵.
- کیان پور، سعید (۱۳۹۴). مبانی حقوق مالکیت و پیامدهای اخلاقی آن. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، شماره ۳، سال ۱۰: ۱۱-۹.
- موسیوند، محبوبه؛ قائدی، یحیی؛ ضرغامی، سعید و محمودنیا، علیرضا (۱۳۹۶). جایگاه نظم خودانگیخته در نظریه آزادی فون هایک و بررسی اشارات تربیتی آن. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۱۲۹: ۵۲-۳۳.
- Acemoglu, D., & Verdier, T. (1998). Property rights, corruption and the allocation of talent: A general equilibrium approach. *The economic journal*, 108(450): 1381-1403.
- Acemoglu, D.; Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). Institutions as a fundamental cause of long-run growth. *Handbook of economic growth*, 1: 385-472.

- Ades, A., & Di Tella, R. (1997). The new economics of corruption: A survey and some new results. *Political Studies*, 45(3): 496-515.
- Ades, A., & Di Tella, R. (1999). Rents, competition, and corruption. *American Economic Review*, 89(4): 982-993.
- Billger, S. M., & Goel, R. K. (2009). Do existing corruption levels matter in controlling corruption? Cross-country quantile regression estimates. *Journal of Development Economics*, 90(2): 299-305.
- Bohara, A.K.; Mitchell, N.J., & Mittendorff, C.F. (2004). Compound democracy and the control of corruption: A cross- country investigation. *Policy Studies Journal*, 32(4): 481-499.
- Cervellati, M.; Fortunato, P., & Sunde, U. (2008). Hobbes to rousseau: Inequality, institutions and development. *The Economic Journal*, 118(531): 1354-84.
- Chowdhury, S. K. (2004). The effect of democracy and press freedom on corruption: An empirical test. *Economics letters*, 85(1): 93-101.
- Clague, C.; Keefer, P.; Knack, S., & Olson, M. (1996). Property and contract rights in autocracies and democracies. *Journal of Economic Growth*, 1(2): 243-276.
- Dong, B., & Torgler, B. (2011). Democracy, property rights, income equality, and corruption. Centre for Research in Economics, Management and the Arts (CREMA), Switzerland and CESifo, Germany.
- Emerson, P. M. (2006). Corruption, competition and democracy. *Journal of Development Economics*, 81(1): 193-212.
- Fisman, R., & Gatti, R. (2002). Decentralization and corruption: Evidence across countries. *Journal of Public Economics*, 83(3): 325-345.
- Ghodrati, S.; Harati, J & Nazari, A. (2018). Democracy and environment quality in selected countries: An application of panel data. *Iranion Economic Review*, 22(1): 21-49.
- Goel, R. K., & Nelson, M. A. (2005). Economic freedom versus political freedom: Cross- country influences on corruption. *Australian Economic Papers*, 44(2): 121-133.
- Graeff, P., & Mehlkop, G. (2003). The impact of economic freedom on corruption: different patterns for rich and poor countries. *European Journal of Political Economy*, 19(3): 605-620.
- Kalenborn, C., & Lessman, C. (2013). The impact of democracy and press freedom on corruption: Conditionality matters. *Journal of Policy Modeling*, 35(6): 857-886.
- Kolstad, I., & Wiig, A. (2011). Does democracy reduce corruption? CMI Working Paper.
- Kolstad, I., & Wiig, A. (2016). Does democracy reduce corruption?. *Democratization*, 23(7):1198-1215.

- Machlup, F. (1981). Homage to Mises. Hillsdale College: 19-27. <https://mises.org/library/ludwig-von-mises-scholar-who-would-not-compromise>.
- Mohtadi, H., & Roe, T. L. (2003). Democracy, rent seeking, public spending and growth. *Journal of Public Economics*, 87(3-4): 445-466.
- Montinola, G. R., & Jackman, R. W. (2002). Sources of corruption: A cross-country study. *British Journal of Political Science*, 32(1): 147-170.
- Nur-Tegin, K., & Czap, H. J. (2012). Corruption: Democracy, autocracy, and political stability. *Economic Analysis and Policy*, 42(1): 51-66.
- Pieroni, L., & d'Agostino, G. (2013). Corruption and the effects of economic freedom. *European Journal of Political Economy*, 29: 54-72.
- Saha, S., & Gounder, R., (2011). Does higher levels of democracy and economic freedom reduce corruption: Some cross-national and regional evidence. In 7th Australasian Development Economics Workshop.
- Saha, S.; Gounder, R., & Su, J. J. (2009). The interaction effect of economic freedom and democracy on corruption: A panel cross-country analysis. *Economics Letters*, 105(2): 173-176.
- Sandholtz, W., & Koetzle, W. (2000). Accounting for corruption: Economic structure, democracy, and trade. *International studies quarterly*, 44(1): 31-50.
- Shen, C., & Williamson, J. B. (2005). Corruption, democracy, economic freedom, and state strength: A cross-national analysis. *International Journal of Comparative Sociology*, 46(4): 327-345.
- Sung, H. E. (2004). Democracy and political corruption: A cross-national comparison. *Crime, Law and Social Change*, 41(2): 179-193.
- Tiwari, A. K. (2012). Corruption, democracy and bureaucracy. *Theoretical and Applied Economics*, 9(9), 17.
- Treisman, D. (2000). The causes of corruption: A cross-national study. *Journal of public economics*, 76(3): 399-457.
- Türedi, S., & Altuner, A. (2016). Economic and political factors affecting corruption in developing countries. *Int. J. Eco. Res*, 7(1): 104-120.
- Wooldridge, J.M. (2006). *Introductory Econometrics: A Modern Approach*, 3e. Thomson South-Western, Ohio.
- Yılmaz Ata, A., & Arvas, M. A. (2011). Determinants of economic corruption: A cross-country data analysis. *International Journal of Business and Social Science*, 2(13).

پیوست : اسامی کشورهای منتخب

کویت	۴۶	کانادا	۳۱	تونس	۱۶	الجزایر	۱
فرانسه	۴۷	جمهوری چک	۳۲	پاراگوئه	۱۷	ارمنستان	۲
قبرس	۴۸	فنلاند	۳۳	پرو	۱۸	ایران	۳
دانمارک	۴۹	یونان	۳۴	مولداوی	۱۹	کاستاریکا	۴
استونی	۵۰	لوکزامبورگ	۳۵	مراکش	۲۰	اکوادور	۵
مجارستان	۵۱	پرتغال	۳۶	اوکراین	۲۱	مصر	۶
هلند	۵۲	اسلواکی	۳۷	اوروگوئه	۲۲	بولیوی	۷
نروژ	۵۳	اسلونی	۳۸	دومینیکن	۲۳	السالوادور	۸
روسیه	۵۴	لاتویا	۳۹	قزاقستان	۲۴	گرجستان	۹
اسپانیا	۵۵	لتونی	۴۰	ترکیه	۲۵	برزیل	۱۰
سوئد	۵۶	کلمبیا	۴۱	ایسلند	۲۶	اردن	۱۱
قطر	۵۷	لهستان	۴۲	ایرلند	۲۷	قرقیزستان	۱۲
کوبا	۵۸	آرژانتین	۴۳	ایتالیا	۲۸	مکزیک	۱۳
هندوراس	۵۹	بحرین	۴۴	بلژیک	۲۹	عمان	۱۴
....	۶۰	امارات متحده عربی	۴۵	انگلیس	۳۰	پاناما	۱۵